

بسم الله الرحمن الرحيم

رشد امور فرهنگی

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی، اطلاع‌رسانی
برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش
● دوره‌ی پانزدهم ● آبان ۱۳۸۸
● شماره‌ی بی‌دربی ۷۶ ● ۴۸ صفحه ● بها: ۳۰۰۰ ریال

مدیرمسئول: محمد ناصری

سر دبیر: محمدرضا حشمتی

شورای برنامه‌ریزی: جعفر ربانی، منصور ملک‌عباسی و

علی‌اصغر جعفریان

مدیر داخلی: فاطمه محمودیان

ویراستار: کبری محمودی

طراح گرافیک: پریسا سُنَدسی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۷۹

تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۴۴۷۵۷

نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۷

پایگاه اینترنتی: www.roshdmag.ir

رایانامه: rahnamayi@roshdmag.ir

تلفن پیام‌گیر نشریات رشد: ۸۸۸۳۹۲۳۲ و ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲

کد مدیرمسئول: ۱۰۲ کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۵-۷۷۳۳۶۶۵۶

شمارگان: ۲۰۰۰۰ نسخه

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

ایجاد سؤال در ذهن دانش‌آموزان / محمدرضا حشمتی / ۲

اگر دل دلیل است ... / قیصر امین‌پور / ۳

نقش زبان در کلاس درس / دکتر لیلا سلیقه‌دار / ۴

سلامت پوست / احمد مختاریان / ۷

قدیمی‌ترین جشنواره‌ی فیلم ایران / خورشید محمدی / ۸

انگیزه‌ی مطالعه و پژوهش / سیمین جهانی / ۱۱

تربیت برای زندگی / حجت‌الاسلام عباس پسندیده / ۱۲

آزادی و اختیار / دکتر یدالله سعیدنیا / ۱۴

شناخت مغز / سمیه سیفی / ۱۷

آموزش انتقادی ریاضیات / زهرا حاجی آخوندی / ۱۸

آقا، شما خیلی خوب هستید! / سید ابراهیم حسینی / ۲۰

هفت گناه من / سید عبدالحمید میرحسینی / ۲۲

اندر حکایت دبیران بی‌مطالعه / مهدی رضائیان / ۲۴

مرکز علوم و ستاره‌شناسی تهران / نصرالله دادار / ۲۶

تفسیر «من» از من / نیکو منفرد / ۲۹

سه رفتار ممنوعه! / پروین داعی‌پور / ۳۰

میراث فرهنگی ایرانیان - تاریخ علم برای نوجوانان / فاطمه محمودیان / ۳۳

تفسیر لیخند / احمد عربلو / ۳۴

سهراب، شاعر آب / جعفر ربانی / ۳۶

مدرسه‌ی جدید مبارک! / علیرضا کاردانیپور / ۳۸

آموزش و پرورش در پاکستان / طیبه الدوسی / ۴۲

در مجله‌ی رشد نوجوان چه خبر؟ / ۴۵

پرسش مسئولان، پاسخ شما / ۴۵

نور و عکاسی / طیبه رحیمی / ۴۶

استاد آن‌لاین / ریحانه جعفری / ۴۷

سؤال از شما، پاسخ از مسئولان / ۴۸

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. - مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید.

- مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word یا بر روی CD یا فلاپی و یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند.

- نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.

- محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود.

- مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود.

- کلمات حاوی مفاهیم نماییه (کلید واژه‌ها) از متن استخراج شوند.

- مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژهای فرعی در متن و سوتیتر باشد.

- معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی بیوست شود.

- مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است.

- مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود.

- آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رای و نظر مسئولان مجله نیست.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک‌آموزشی

ایجاد سؤال در ذهن دانش آموزان

محمد رضا حشمتی

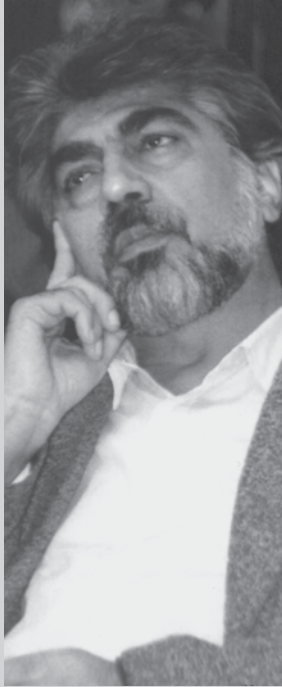


رشد آموزش
راهنمایی
تحصیلی

«تئوری انسانی» به کار می‌برند. از طرفی همه می‌دانیم که نهاد آموزش و پرورش تأمین کننده و تربیت کننده نیروی انسانی «عقل و متفکر» است. مدرسه جایی است که می‌تواند به ارزش افزوده‌ی این سرمایه‌ی انسانی اضافه کند. مدرسه با توجه به تفاوت‌های فردی، از طریق شناخت استعدادها، می‌تواند نقش بسیار مهمی داشته باشد. زمینه‌های لازم برای پرورش این استعدادها، مطالعه و روش‌های مطالعه است. مدرسه نقش بسیار مهمی در بالفعل کردن استعدادها با کتاب، مطالعه و روش تدریس، دانش آموزان را از این روش‌ها آشنا کردن دانش آموزان با تغییر به حالت فعال ارتقا دهیم. می‌توانیم با دوستان! ما معلمان می‌توانیم با یادگیری به پاسخ‌یابی سؤالات و جست‌وجو در سایر حالت منفعل در فرآیند یاددهی - یادگیری برای انجام این مسئولیت ارزشمند از همکاری ایجاد سؤال در ذهن دانش آموزان برخوردار شویم. کتابدار مدرسه یار همیشگی ما برای تحقق منابع دانش - کتاب‌های غنی و به‌روزی دارد که به راحتی میسر نمی‌شود، ولی به نظر را به سمت مطالعه سوق محروم شویم. کتابدار مدرسه یار همیشگی ما برای تحقق کتابداران محترم نباید محروم همه‌ی مدرسه‌های ما کتابدار ندارند و اختیارات کتابدار این مهم است. می‌دانیم همه‌ی مدرسه‌ها به عوامل زیر دارد:

- به هر مدرسه‌ای شرط و شروطی دارد که به‌روز در مدارس کشور؛
- می‌رسد تحقق این امر بستگی به عوامل زیر دارد:
- ایجاد و تجهیز کتابخانه‌های غنی و به‌روز در مدارس کشور؛
- استفاده از کتابدار متخصص و دلسوز در مدارس؛
- ایجاد فضای تعامل سازنده بین معلمان و کتابداران؛
- همکاری محترم، اگر شما شاهد تجربه‌ی مفیدی در ارتباط با نقش فعال کتابخانه‌های مدارس، کتابداران دلسوز و هم‌چنین روش‌های فعال کردن دانش آموزان برای مطالعه و کتابخوانی بوده‌اید، شرح تجربه‌ی خود را برای ما بنویسید تا دیگران نیز از این تجارب استفاده کنند. امید است با توجه جلدی همه‌ی مسئولان آموزش و پرورش، شاهد ارزش افزوده‌ی کیفی بیشتری برای سرمایه‌های انسانی کشور عزیزمان ایران باشیم.





سراپا اگر زرد و پژمرده‌ایم
ولی دل به پاییز نسپرده‌ایم

چو گلدان خالی، لب پنجره
پر از خاطرات ترک خورده‌ایم

اگر داغ دل بود، ما دیده‌ایم
اگر خون دل بود، ما خورده‌ایم

اگر دل دلیل است، آورده‌ایم
اگر داغ شرط است، ما برده‌ایم

اگر دشمنی دشمنان، گردنیم!
اگر خنجر دوستان، گرده‌ایم!

گواهی بخواهید، اینک گواه:
همین زخم‌هایی که نشمرده‌ایم!

دلی سربلند و سری سر به زیر
از این دست عمری به سر برده‌ایم

اگر دل دلیل است...

قیصر امین‌پور (۱۳۸۶-۱۳۳۸ ه.ش.)
شاعر و استاد دانشگاه

قیصر در گُتوند، از توابع دزفول، متولد شد. دیپلم خود را در همان‌جا گرفت و به تحصیل در رشته‌ی پزشکی پرداخت. اما آن را رها کرد و رشته‌ی جامعه‌شناسی را برگزید. باز هم در این رشته نماند و به ادبیات فارسی روی آورد و تا مرحله‌ی دکترای با نوشتن پایان‌نامه‌ای با درجه‌ی عالی، فارغ‌التحصیل شد.

امین‌پور از شاعران طلیعه‌ی انقلاب اسلامی بود. اولین فعالیت‌های شعری و ادبی خود را در «حوزه‌ی اندیشه و هنر اسلامی» که بعدها «حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی» نام گرفت، شروع کرد و اشعارش خیلی زود مورد توجه قرار گرفت. شعری برای جنگ او، از بهترین اشعاری است که تاکنون درباره‌ی جنگ تحمیلی سروده شده است. امین‌پور هم در حوزه‌ی بزرگسالان و هم در حوزه‌ی نوجوانان، آثاری پدید آورده است: **تنفس صبح، مثل چشمه مثل رود، آینه‌های ناگهان، گل‌ها همه آفتاب‌گردان‌اند و دستور زبان عشق.** امین‌پور در آبان‌ماه ۱۳۸۶ در پی بیماری درگذشت و در زادگاهش گُتوند به خاک سپرده شد.

فرهنگنامه‌ی نام‌آوران، تهران: نشر طلایی، ۱۳۸۷.

اشاره

در شماره‌ی پیش، هوش‌های چندگانه را معرفی و به جایگاه آن در آموزش به اختصار اشاره کردیم. از جمله نکات قابل توجه در مقوله‌ی هوش‌های چندگانه‌ی یادگیری، تأثیر به‌کارگیری و توجه به آن‌ها در افزایش یادگیری و کنترل رفتارهای دانش‌آموزان است. از این‌رو، لسل‌ی هارت^۱ نظریه‌پرداز و متخصص در حوزه‌ی تعلیم و تربیت می‌گوید: «مدیریت، انضباط و مقررات، عصبانیت شدید معلم و ناکامی‌های دانش‌آموزان، همه، مشکلات اصلی شیوه‌ی معلم‌محوری هستند. به دانش‌آموزان اجازه‌دهید و آنان را تشویق کنید تا از مغز خود برای یادگیری استفاده کنند. در این صورت، نتایج حاصل حیرت‌انگیز خواهد بود» [Hart, 1981]. به نظر می‌رسد، این قبیل نظریات که از مطالعات گوناگون برآمده است، بالاترین انگیزه را برای جلب توجه معلمان به هوش‌های چندگانه (که در این جا به تعبیری با عنوان مغز از آن یاد شده است)، ایجاد می‌کند. در این شماره، یک دسته از هوش‌های چندگانه را معرفی می‌کنیم. به این منظور، قسمت‌هایی از طرح‌درس‌های نمونه را نیز می‌آوریم.

کلیدواژه‌ها: هوش زبانی، هوش چندگانه، معلم

نقش زبان در کلاس درس

دکتر لیلا سلیقه‌دار



به این نکته توجه می‌کند. البته تاکنون هیچ آزمونی برای شناسایی میزان رشد هر یک از هوش‌ها طراحی نشده است که جامع و کامل باشد و مورد تأیید صاحب‌نظران قرار گیرد. لیکن سؤالات و نکاتی وجود دارند که هر کدام می‌توانند بخشی از طیف وسیع توانایی‌های انسان را ارزیابی کنند. برای مثال، در بخش هوش زبانی، بررسی موارد زیر در درون خود، می‌تواند روشنگر ماهیت و کیفیت هوش زبانی باشد:

- به کتاب و کتاب‌خوانی علاقه‌ی فراوان دارم.
- گوش دادن به رادیو یا نوار مکالمه، نسبت به دیدن تلویزیون یا فیلم، موارد بیش‌تری را به من می‌آموزد.
- از انواع بازی‌هایی که با کلمه‌ها انجام می‌شوند، لذت می‌برم.
- به سرگرمی‌های زبانی علاقه دارم.
- دروسی مانند فارسی، زبان انگلیسی و عربی و نیز اجتماعی و تاریخ را نسبت به ریاضی و علوم آسان‌تر فرامی‌گیرم.
- یادگیری مکالمه و خواندن زبان دوم تقریباً برای من ساده است.
- در مکالمات خود، غالباً لغاتی را به کار می‌برم که قبلاً آن‌ها را خوانده و یا شنیده‌ام.
- گاهی مطالبی می‌نویسم که به خاطر آن‌ها بسیار احساس غرور می‌کنم. این نوشته‌ها مرا از دیگران متمایز می‌کند.

حال در صورتی که پاسخ معلمی به موارد بالا نشانگر آن باشد که از توانایی کلامی بالایی برخوردار نیست، آیا این به معنای آن است که در کلاس درس وی، توجه نکردن به هوش کلامی اجتناب‌ناپذیر است؟ در این حالت چه راهی وجود دارد؟

در پاسخ باید گفت، ممکن است تا پیش از آگاهی یافتن از این موضوع، توجه کمتری به استفاده از هوش کلامی در کلاس درس صورت می‌گرفته است، اما هنگامی که معلم از این نکته آگاه می‌شود، می‌تواند با استفاده از متون نویسندگان، داستان‌های موجود، توانایی‌های دانش‌آموزان و یا دعوت از مهمانانی که در این ارتباط از هوش بالایی برخوردار هستند، مانند شعرا، روزنامه‌نگاران، مجریان و... فعالیت‌هایی تکمیلی انجام دهد و از این توانایی فراگیرندگان خود، برای یادگیری بیشتر و عمیق‌تر آنان بهره‌گیرد.

برای شناخت دانش‌آموزان دارای هوش زبانی بالا، کافی است به نوشته‌ها و گفتار آن‌ها توجه داشته باشیم.

دبیر درس تعلیمات اجتماعی سال اول دوره‌ی راهنمایی تحصیلی، تصمیم می‌گیرد ضرورت و اهمیت «از خودگذشتگی» (درس ۱۲ کتاب) را به شیوه‌ی خاصی به فراگیرندگان خود آموزش دهد. او داستانی می‌نویسد. در این داستان، اعضای خانواده شامل پدر، مادر و دو فرزند آن‌ها، چندان نگران یکدیگر نیستند و به خاطر هم، کاری انجام نمی‌دهند. داستان به گونه‌ای طراحی شده است که خستگی‌های ناشی از کار پدر، غمگینی مادر به خاطر بیماری سختی که مدت‌هاست با آن دست به گریبان است، قهر طولانی برادر و خواهر که هیچ‌کدام حاضر به عذرخواهی از یکدیگر نیستند را با تأکید نشان می‌دهد. در قسمتی از داستان، معلم مکث می‌کند و از فراگیرندگان می‌خواهد که به انتخاب خود، هر یک به جای یکی از شخصیت‌های داستان قرار بگیرند و احساس خود را بنویسند. داستان ادامه می‌یابد و پیش از آن که به نقطه‌ی اوج خود برسد، معلم از بچه‌ها می‌خواهد ادامه‌ی را برای آن پیش‌بینی کنند.

در این شیوه، معلم به هوش زبانی^۲ بسیار توجه کرده است. هوش زبانی که یکی از هوش‌های چندگانه است، به معنی توانایی به کارگیری درست لغات، به صورت شفاهی (مثلاً از سوی داستان‌گو و سخن‌ران) یا به صورت نوشتاری (از سوی شاعر، نمایش‌نامه‌نویس، ویراستار یا روزنامه‌نگار و...) است. این هوش، توانایی به کارگیری ماهرانه‌ی نحو (ساختار زبان)، آواشناسی (صداهای زبان)، معناشناسی (معنای زبان) و جنبه‌های عملی (کاربردهای عملی زبان) را شامل می‌شود. برخی از این کاربردها عبارت‌اند از: به کارگیری زبان برای متقاعد کردن دیگران تا شیوه‌ی خاصی را در عملکردهای خود به کار گیرند؛ استفاده از زبان برای به خاطر آوردن اطلاعات؛ به کارگیری زبان برای آگاهی بخشیدن؛ و بالاخره به کارگیری زبان برای صحبت کردن از خود زبان.

بدیهی است، معلم نیز مانند هر انسانی واجد هوش‌های چندگانه است و احتمالاً چند نوع هوش در او، بیش از سایر موارد رشد کرده و امکان شکوفایی داشته است. تعیین ماهیت و کیفیت این هوش‌ها و یافتن روش‌هایی برای توسعه‌ی آن‌ها در زندگی شخصی معلم، یکی از گام‌های اساسی در استفاده از تئوری هوش‌های چندگانه در کلاس درس است. به عبارت دیگر، معلمی که نسبت به ماهیت و کیفیت هوش و توانایی‌های خود مطلع است، به همان اندازه، اهمیت توجه به توانایی‌های هوشی را شناخته و در خصوص همه‌ی فراگیرندگان خود،

معلم نیز
مانند هر
انسانی واجد
هوش‌های
چندگانه است
و احتمالاً چند
نوع هوش در
او، بیش از سایر
موارد رشد
کرده و امکان
شکوفایی داشته
است

پی‌نوشت

1. Leslie Hart
2. Linguistic Intelligence

فراگیرندگانی که در این گروه قرار می‌گیرند، معمولاً با دیگران به روش کلامی ارتباط برقرار می‌کنند، می‌توانند اسامی مکان‌ها، تاریخ‌ها و جزئیات را به خوبی به حافظه‌ی خود بسپارند، کلمه‌ها را به درستی ادا می‌کنند و نسبت به سن خود، خوب می‌نویسند. البته سایر ویژگی‌هایی که پیش از این در مورد معلمان مطرح شد نیز در مورد آن‌ها صدق می‌کند.

به مثال دیگری در زمینه‌ی هوش کلامی توجه کنید. معلمی برای آموزش انتقال گرما در درس علوم، سه منظره از یک مرکز خرید را ترسیم می‌کند. این سه تصویر، سه زمان متفاوت را نشان می‌دهد. یکی در ساعت‌های اولیه‌ی یک روز معمولی، دیگری عصر یکی از روزهای میانی هفته و سومی عصر یکی از روزهای پایانی سال. بدیهی است که در تصویر اول، تعداد بسیار اندکی از مراجعان در مرکز خرید هستند. در تصویر دوم این تعداد بیشتر است و در تصویر سوم جمعیت زیادی مشغول خرید و یا تماشای ویتترین فروشگاه‌ها هستند.

معلم با نمایش دادن تصاویر، از آن‌ها می‌خواهد، در مورد آن‌ها داستانی تعریف کنند و یا خاطره‌ی خود را از روزهای خرید بگویند. همچنین خود را در یک مرکز خرید و در زمان‌های متفاوت، مانند وقتی که افراد کمی در آن‌جا حضور دارند و یا زمانی بسیار شلوغ تجسم کنند و بگویند که در این صورت چه احساسی خواهند داشت؟ سپس معلم می‌پرسد: «به نظر شما افرادی که در فروشگاه هستند، در کدام حالت بیشتر احساس گرما می‌کنند؟ چرا؟» در این مرحله، معلم می‌تواند سؤالاتی از این دست طرح کند.

پس از طرح این مقدمه‌ی ملموس، توجه دانش‌آموزان را به تصویری از شکل مولکول‌ها در سه حالت مایع، جامد و گاز جلب می‌کند و از فراگیرندگان می‌خواهد، شباهت هر تصویر را با تصویر مرکز خرید بنویسند و نتیجه‌ی این مقایسه را شرح دهند. به این ترتیب، به موضوع انتقال گرما به روش رسانایی و تفاوت آن در سه حالت ماده می‌پردازد.

تأکید معلم بر بیان افکار دانش‌آموزان، بیان خاطرات و داستان‌ها، ارتباط دادن تصاویر با یکدیگر و طرح آن از طریق کلام و نوشته، همگی روش‌هایی هستند که به نوعی هوش کلامی فراگیرندگان را مخاطب قرار داده‌اند. در دو سناریوی یاد شده، هنگامی که معلم از دانش‌آموزان دعوت می‌کند احساس خود را در موقعیت‌های مورد نظر پیدا کنند، در واقع از این طریق، **هوش درون‌فردی** فراگیرنده را نشانه رفته است.

علاوه بر به‌کارگیری شیوه‌های مبتنی بر هوش زبانی در تدریس، در سایر زمینه‌ها، از جمله اداره‌ی کلاس درس نیز می‌توان از آن سود جست. برای مثال، هنگامی که معلم قصد دارد توجه دانش‌آموزان را به خود جلب کند، روی تابلو می‌نویسد: «لطفاً توجه کنید!» در این حالت، او با تکیه بر هوش زبانی، دانش‌آموزان را به حضور فعال‌تر در کلاس درس دعوت می‌کند. دو مثال معلمی که قوانین کلاس خود را به زبان ساده روی یک برگه می‌نویسد و بر دیوار کلاس نصب می‌کند و همچنین، گفت‌وگو با دانش‌آموزی که دچار مشکل خاصی است و ترغیب وی برای مطالعه‌ی کتاب‌هایی که می‌تواند به حل مشکل وی کمک کند، بر به‌کارگیری و نشانه‌گیری هوش زبانی مبتنی است.



پائیز که می شود
دستم پوسته
پوسته می شود،
پس به تغییر
فصل حساسیت
دارم

آیا تاکنون برایتان اتفاق افتاده است که پوست دست‌ها، به ویژه اطراف ناخن‌هایتان، پوسته پوسته شود؟ و آیا گاهی این مشکل با خارش توأم بوده است؟ و آیا در صورت مراجعه به پزشک و یا با خودتان گفته‌اید، پائیز که می‌شود، دستم پوسته پوسته می‌شود، پس به تغییر فصل حساسیت دارم؟

همه‌ی این‌ها گویای حساسیت پوست شما به گرد و غبار و خاک و به‌ویژه «گچ» است. مشکل حساسیت به گچ، میان تعدادی از مربیان و معلمان وجود دارد و علائم آن عبارت‌اند از:

۱. پوسته پوسته شدن پوست اطراف ناخن‌ها؛
 ۲. خارش پوست (البته در حالات شدید خارش دیده می‌شود).
- در طول تابستان که معمولاً برخورد با گچ وجود ندارد، این علائم‌ها یا شدیداً کاهش می‌یابند یا کاملاً از بین می‌روند. برای درمان و کشف علت اصلی، باید به پزشک به‌ویژه متخصص پوست مراجعه کرد، زیرا علاوه بر حساسیت به گچ، حساسیت به مواد دیگر و یا کاهش ویتامین‌های A و D و یا افزایش آن‌ها و برخی بیماری‌های داخلی نیز باعث بروز این مشکل می‌شود که حتماً پزشک باید آن را بررسی کند.
- پس، به توصیه‌های زیر توجه کامل کنید:
- از هیچ‌گونه کرم، پماد و یا ترکیبات دیگر، بدون مشورت با پزشک، استفاده نکنید.
 - از دست‌کش‌های پلاستیکی و یا پارچه‌ای (هنگام نوشتن با گچ و یا پاک کردن تخته) استفاده کنید.

- تا حد امکان از نوشتن‌های غیرضروری پرهیزید.
 - پاک کردن تخته را به دانش‌آموزانی که حساسیت ندارند، واگذارید.
 - از کندن پوست اطراف ناخن خودداری کنید.
- اما بهترین و آسان‌ترین و کم‌هزینه‌ترین روش این است که با توضیح مطلب به مدیر مدرسه، تقاضای تهیه‌ی گچ‌های استاندارد شده‌ی فاقد حساسیت را بدهید. ضمناً، پس از خروج از کلاس، دست‌ها را بدون استفاده از صابون بشویید.
- در پایان یادآور می‌شود، معمولاً برای چنین معلمانی تخته وایت‌برد و ماژیک‌های مربوط به آن‌ها، مفید است، اما چون این کار کارکرد آموزشی را در ابعاد گوناگون کاهش می‌دهد، بهتر است اصرار خود را بر استفاده از گچ‌های استاندارد و غیرحساسیت‌زا متمرکز کنیم.

سلامت پوست

احمد مختاریان

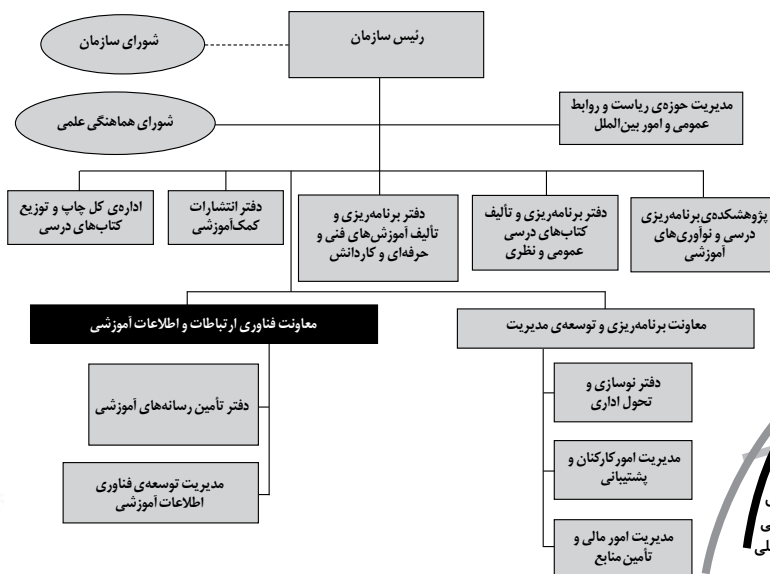
قدیمی ترین جشنواره فیلم ایران

گفت و گو با حمیدرضا کفاش، دبیر جشنواره فیلم بین المللی رشد

اشاره

به همراه سردبیر و طیبه رحیمی، عکاس مجله، باحمید رضا کفاش، معاون فناوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش نه مصاحبه، که به گفت و گویی صمیمانه و دوستانه نشستیم. در همان اول گفت و گو، ناباورانه از قدمت و اهمیت این جشنواره بین المللی مطلع شدیم. شاید شما هم ندانید که: جشنواره بین المللی رشد، قدیمی ترین و در واقع اولین جشنواره فیلم در ایران است؛ جشنواره ای رشد، جشنواره ای تخصصی است که در زمینه های آموزشی، علمی- تربیتی و با مدیریت وزارت آموزش و پرورش، هر ساله در آبان ماه به مدت یک هفته برگزار می شود. این جشنواره ۴۶ سال پیش نخستین بار در سال ۱۳۴۲ توسط اداره فعالیت های سمعی و بصری آغاز به کار کرد و ۳۹ دوره ای آن برگزار شده است.

نمودار تشکیلات سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی (وزارت آموزش و پرورش)



عکاس: طیبه رحیمی



جشنواره‌ی رشد در ابعاد وسیع و بزرگی مجموعه فیلم‌های علمی، آموزشی، تربیتی و داستانی را در قالب‌های گوناگون داستانی، مستند، کلیپ و... پوشش می‌دهد

● **آیا کار و نقش جشنواره در همین مدت زمان و ابعاد نمایش، به اتمام می‌رسد؟**

○ خیر. از این نظر هم جشنواره‌ی رشد یک استثناست. جشنواره‌ی رشد یک هفته کلید اکران عمومی می‌خورد. اما بعد از آن کار ما همچنان با شور و هیجان و تلاش ادامه دارد. به این ترتیب که بعد از اختتامیه، از هر استان دو نماینده دعوت می‌کنیم تا فیلم‌های مناسب برای اکران در استان خودشان را کارشناسی کنند. سپس به مدت یک هفته، جشنواره‌ی استانی فیلم رشد در هر استان برگزار می‌شود که معمولاً در استان‌های محروم با استقبال بیشتری روبه‌رو شده است.

حرکت خیلی خوبی که سال گذشته انجام شد و درواقع پیشنهاد خود مسئولان و کارشناسان تربیتی بود، نمایش هم‌زمان فیلم رشد در زمان جشنواره در مراکز و دانشگاه‌های علوم تربیتی بود که با استقبال بسیار روبه‌رو شد و دانشجویان و تماشاگران، گاه در کنار سازندگان، فیلم‌ها را دیدند و پس از نمایش به نقد آن‌ها نشستند.

● **همان‌طور که گفتید، مدت ۳۹ دوره‌ی برگزاری جشنواره و جذب فیلم‌های آموزشی بسیار، به فراهم شدن گنجینه‌ی بزرگی از فیلم‌های آموزشی انجامیده است. آیا دسترسی به این فیلم‌ها، حق معلم و دانش‌آموز و مخاطبانی از این دست نیست؟**

○ عرض کردم. این نقدی است که ما غالباً در سطوح بالای مدیریت هم با آن روبه‌رو هستیم. می‌گویند این همه هزینه (در پراکنش) بگویم که جشنواره‌ی رشد جزو کم‌هزینه‌ترین جشنواره‌هاست، برو بیا و تبلیغات، به چه کار معلم و دانش‌آموز می‌آید.

مثالی بزنم و آن شباهتی بین کار ما و شماست. شما برای معلم و دانش‌آموز مجله چاپ می‌کنید. این که مطالب شما در فرایند آموزش تأثیر می‌گذارد یا خیر، دیگر از محدوده‌ی کار شما خارج است.

کارکرد جشنواره هم معلوم است. ما با سختی هزار فیلم را از سراسر دنیا جمع می‌کنیم و ابتدا در جشنواره و بعد در استان‌ها نمایش می‌دهیم. سپس فیلم به قول شما به گنجینه‌ی ما اضافه می‌شود. اما بعد از برگزاری، گروه‌ها و نیروهای بسیاری باید قدم به عرصه بگذارند و برای استمرار تأثیرات فرهنگی آموزشی سرمایه‌گذاری کنند.

● **مجموعه‌ای که مسئول برگزاری جشنواره است، در گذشته دفتر تکنولوژی آموزشی بود که در حال حاضر با عنوان «معاونت فناوری»، وسعت و ارتقای جایگاه یافته است. یکی از دفترهای این معاونت مسئول برگزاری جشنواره است. آیا دفترهای دیگر نمی‌توانند و نباید مسئول عمومی کردن گنجینه‌ی فیلم‌های آموزشی باشند؟**

● **جشنواره‌ی فیلم رشد، به عنوان جشنواره‌ی فیلم‌های آموزشی، پیش از هر مخاطب دیگری، به معلمان و دانش‌آموزان تعلق دارد. چه گفتنی‌هایی از اهمیت و ابعاد جشنواره برای معلمان دارید؟**

○ جشنواره‌ی رشد قدیمی‌ترین جشنواره‌ی کشور است که امسال سی‌ونهمین دوره‌ی تولدش را جشن می‌گیرد. از ایران دو فستیوال در دنیا به ثبت رسیده که یکی از آن‌ها جشنواره‌ی رشد است و یکی هم جشنواره‌ی فیلم کودک و نوجوان که به نام اصفهان معروف است. آموزش و پرورش‌ها بنیان‌گذار اولین جشنواره‌ی فیلم در ایران بودند و حتی نام جشنواره را وزیر وقت آموزش و پرورش، دکتر خالری، به جای واژه‌ی فستیوال، پیشنهاد کرده است.

● **این جشنواره در چه بخش‌هایی برگزار می‌شود؟**

○ جشنواره‌ی رشد ابعاد وسیع و بزرگی مجموعه فیلم‌های علمی، آموزشی، تربیتی و داستانی را در قالب‌های گوناگون داستانی، مستند، کلیپ و... پوشش می‌دهد. از حدود پنج سال قبل، جشنواره‌ی فرعی به آن اضافه شد به نام «جشنواره‌ی فیلم دانش‌آموزان» که از حرکت‌های بسیار ارزشمند محسوب می‌شود.

● **معلمان و دانش‌آموزان، خانواده‌ها و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت مخاطبان فیلم‌های آموزشی، علمی، تربیتی، هستند. سازندگان این نوع فیلم‌ها چه کسانی هستند؟**

○ هنرمندان و فیلم‌سازان عرصه‌های گوناگون که در فراخوان‌هایی که می‌دهیم، می‌توان گفت فیلم‌هایشان را با اعتماد بسیار در اختیار ما قرار می‌دهند. خوش‌بختانه جمع هنرمندان و فیلم‌سازان هم مانند دیگر گروه‌ها احترام و اعتماد خاصی به آموزش و پرورش قائل هستند.

● **از مجموع فیلم‌های رسیده به دبیرخانه‌ی جشنواره، کدام فیلم‌ها در فهرست نمایش قرار می‌گیرند؟**

○ در مرحله‌ی جذب، تعداد زیادی فیلم به دست ما می‌رسد و آرشیو می‌شود. اما در مرحله‌ی نمایش، در کشور ما نمایش عمومی ضوابطی دارد. در این مرحله، مقررات وزارت ارشاد و ملاک‌های نمایش به میان می‌آید و بسیاری از فیلم‌ها به‌عنوان فیلم آموزشی برای مخاطبان تخصصی آرشیو می‌شود، اما امکان نمایش عمومی پیدا نمی‌کند.

● **فیلم‌های جشنواره در چه مدت زمان و در کجاها به نمایش درمی‌آید؟**

○ فیلم‌ها هر ساله در آبان‌ماه و به مدت یک هفته، در چند سینما در تهران به نمایش درمی‌آیند. امسال جشنواره روز هشتم آبان‌ماه، مصادف با میلاد امام رضا (ع) افتتاح می‌شود و تا جمعه‌ی بعد که برنامه‌ی اختتامیه است، ادامه می‌یابد.

ما باید بسته‌های آموزشی به مدارس بفرستیم و برای تهیه‌ی این بسته‌ها، قطعاً باید کار گروهی انجام داد

○ ببینید، این کار جشنواره نیست، به‌طور قطع، دفتر دیگری هم از این معاونت نمی‌تواند و حتی به لحاظ کارشناسی قادر نیست که ارتباط هزار و چند فیلم را با برنامه‌ی درسی پیدا کند، بلکه کارشناسان برنامه‌های درسی، در همکاری و گروه شدن با ما می‌توانند فیلم‌ها را طبقه‌بندی کنند، چند سال است که من به دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی اعلام کرده‌ام مثلاً ۱۰۰۰ دقیقه فیلم آموزشی علوم داریم، مؤلفان و کارشناسان را بفرستید این فیلم‌ها را ببینند، تبدیل به وی‌سی‌دی کنند و با یک بسته‌ی آموزشی به مدارس بفرستند، اما دوستان می‌گویند، امکان این کار وسیع و پرهزینه را نداریم، اگر اول مهر کتاب را نرسانیم، مملکت به هم می‌ریزد و وزیر عوض می‌شود، اما اگر فیلم آموزشی نباشد، اتفاق مهمی نمی‌افتد.

● تأثیر فیلم‌های آموزشی را بر روند آموزش، اگر خیلی‌ها ندانند، مخاطبان اصلی آن خوب می‌دانند، ولی آن‌ها نمی‌دانند چه‌طور به این گنجینه دست بیابند. واقعاً اکثر معلمان نمی‌دانند فیلم مورد نیاز خود را حتی با بودجه و زحمت خودشان چگونه پیدا کنند.

○ بله، خب ما فیلم‌های آموزشی با محتوا و موضوعات گوناگون مناسب با برنامه‌ی درسی چند دوره را در اختیار داریم، اما کار جشنواره، بازنگری فیلم‌ها و کشف ارتباط آن‌ها با برنامه‌ی درسی نیست.

● کار جشنواره نیست، اما کار چند تیم تشکیلاتی می‌تواند باشد. آیا تا رسیدن به شرایط ایده‌آل، نمی‌توان برای پر کردن خلأ موجود از راه‌های دیگری استفاده کرد؟

○ ببینید، ما بودجه‌ی خاصی برای کارشناسی و تکثیر فیلم‌ها نداریم، با چند بخش خصوصی وارد مذاکره شده‌ایم، حاضریم برای واگذاری این فیلم‌ها یا به قول شما گنجینه، هزینه و قیمتی هم دریافت نکنیم، اما حتی برای به نتیجه رسیدن این طرح هم مشکلاتی داریم.

● در حال حاضر اگر سازمان استان‌ها یا مناطق، مدارس و یا حتی یک معلم، شخصاً به شما، رجوع کند، می‌تواند فیلم مورد نیازش را دریافت کند؟ یا فهرستی را برای شناخت و جست‌وجوی فیلم‌های مورد نیازش، مطالعه و انتخاب کند؟

○ بله، حتماً و ما استقبال می‌کنیم، مشکلی از این لحاظ نداریم و می‌توانیم فیلم‌ها را در اختیار قرار دهیم.

● شما کار مجلات رشد و دفتر انتشارات کمک‌آموزشی را در انتشار یک رسانه، مشابه کار جشنواره عنوان کردید. ما هم راه‌حلی مشابه را می‌توانیم مطرح کنیم؟

○ بله، حتماً خوش‌حال می‌شویم، گفتیم که ما معتقدیم و می‌دانیم بسیاری از کارها را به‌تنهایی و در این معاونت نمی‌توانیم انجام بدهیم و نیاز هست که تیم‌هایی از سازمان‌ها و دفاتر ستادی، با ما همراه شوند تا فیلم آموزشی جای خود را در فرایند آموزش باز کند.

● طرح کتابنامه‌ی رشد می‌تواند الگوی خوبی در این زمینه باشد. هر ساله دفتر انتشارات کمک‌آموزشی، کتابی را شامل فهرست کتاب‌های آموزشی و استاندارد منتشر می‌کند. این امر موجب شده است که ناشران با علاقه قدم در این عرصه بگذارند. آن‌ها می‌کوشند کتاب‌هایشان استانداردهای لازم را داشته باشد و نامشان در این فهرست بیاید تا کتابشان از فروش بهتری برخوردار باشد.

همین کار را می‌شود در مورد فیلم‌های شما و دیگر تولیدکنندگان انجام داد. در این صورت، مراکز آموزشی فهرستی دارند یا کتابنامه‌ای و یا سایتی که مجموعه‌ای از فیلم‌ها و نحوه‌ی رفع نیازهایشان را به آن‌ها نشان می‌دهد. ○ فکر و طرح خوبی است و ما استقبال می‌کنیم، اما همان‌طور که گفتیم، دفاتر گوناگون باید کار را منحصربه‌فرد و از خودشان ببینند. مثلاً دفتر چاپ و توزیع، فقط در محدوده‌ی چاپ و رساندن کتاب فکر نکند و دفتر تألیف همین‌که محتوای کتاب را نوشت، فکر نکند کار تهیه‌ی ابزارهای آموزشی به ما مربوط نیست.

ما باید بسته‌های آموزشی را به مدارس بفرستیم و برای تهیه‌ی این بسته‌ها، قطعاً باید کار گروهی انجام داد.

و در این‌جا جا دارد ضمن تشکر از شما، گله‌ای را هم مطرح کنم. و آن همین نگاه اقتراق در کارهاست که در اکثر دوستان هست، باورتان می‌شود بگویم، حداقل طی سال‌هایی که من در این معاونت عهده‌دار این مسئولیت هستم، شما اولین گروهی هستید که برای مصاحبه و کسب اطلاعات و اطلاع‌رسانی به ما رجوع کرده‌اید! وقتی می‌گویید لازم است به معلمان اطلاع‌رسانی شود که چنین مجموعه‌ای با این امکانات وجود دارد تا معلم به آن رجوع کند، آیا مجلاتی مثل رشد معلم، رشد ابتدایی، رشد تکنولوژی و دیگر مجلات، نباید این اطلاع‌رسانی را که جزو اولویت‌های کارشان است، انجام بدهند.

در هر صورت از شما متشکرم و در همین گفت‌وگو اعلام می‌کنم که آماده‌ی قبول هرگونه همکاری و طرح‌های توسعه‌ی فرهنگی هستیم.

● ما هم از شما تشکر می‌کنیم. از این‌که در شرایط تراکم کار، وقت زیادی را برای معلمان و خوانندگان مجله‌ی ما اختصاص دادید.



رشد آموزش راهنمایی تحصیلی

انگیزه‌ی مطالعه و پژوهش

سیمین جهانی

نادیده گرفته شود و نحوه‌ی ارتباط و تعامل در این زمینه با آن‌ها سرد باشد، تدریجاً به این باور می‌رسند که توانایی‌شان در انجام مطالعه و پژوهش ضعیف است و در موقعیت‌های آتی، ممکن است آن‌ها به شکل ضعیف‌تری عمل کنند.

۳. متغیرهای جو کلاسی که محیطی برانگیزاننده را برای مطالعه و پژوهش ایجاد می‌کنند، از جمله‌ی این متغیرها عبارت‌اند از: امنیت و نظم کلاسی، انتظار برای موفقیت در مطالعه و پژوهش، چالش انگیزی تکالیف و ارزش قائل شدن برای مطالعه و پژوهش و درک آن.

۴. متغیرهای آموزشی که علاقه‌مندی نسبت به فعالیت‌های مطالعه و پژوهشی را افزایش می‌دهند، از

الگوی مناسب برنامه‌ی درسی ایجاد علاقه و انگیزه‌ی دانش‌آموزان به مطالعه و پژوهش، چهار عنصر بنیادی دارد که هر یک از ابعاد و عناصر آن، کاربردهایی را برای ایجاد انگیزش در دانش‌آموزان دارند. این چهار عنصر عبارت‌اند از: ۱. ویژگی‌های دانش‌آموزان که باعث ایجاد علاقه و انگیزه به مطالعه و پژوهش در آن‌ها می‌شود، از جمله‌ی این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: نیازهای شناختی (نیاز به فهمیدن، نیاز به پیشرفت، نیاز به استقلال و نیاز برای حمایت از ارزشمندی شخصی)، نیازهای اجتماعی (نیاز برای وابستگی، نیاز برای تأیید)، نیازهای هیجانی (نیاز برای کاهش اضطراب).

نیازها و رغبت برای ارضای آن‌ها، منبع اولیه‌ی انگیزش دانش‌آموزان است. برای مثال، نیازهای شناختی دانش‌آموزان نیازهایی هستند که درون آن‌ها وجود دارند و در آن‌ها انگیزه‌ی درونی برای فعالیت ایجاد می‌کنند. مطالعه و انجام پژوهش، مستلزم برنامه‌ریزی، کنترل و مدیریت شخصی، توجه، تلاش، علاقه و انگیزش درونی است.

۲. ویژگی‌ها و خصوصیات شخصی معلمان که انگیزش دانش‌آموزان را نسبت به مطالعه و تحقیق در دانش‌آموزان تحت تأثیر قرار می‌دهد، از جمله‌ی این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: خودکارآمدی تدریس، ایجاد اشتیاق و الگودهی فعالیت‌های مطالعه و پژوهش به دانش‌آموزان، شفقت و مهربانی با دانش‌آموزان، و داشتن انتظارات مناسب و مثبت از آن‌ها.

کاوشری و مطالعه مستلزم این است که معلمان فضایی آرام و حمایت‌کننده برای دانش‌آموزان تدارک ببینند. معلمان با کارآمدی بالا در تدریس، به‌جای سرزنش دانش‌آموزان، آن‌ها را مورد محبت قرار می‌دهند، و فرصت مناسبی برای نشان دادن آزمایش‌ها و دستاوردهای پژوهشی دانش‌آموزان در اختیارشان می‌گذارند. هرچه انگیزه و اشتیاق معلمان به فعالیت‌های مطالعاتی و تحقیقاتی بیشتر باشد، به همان نسبت دانش‌آموزان آن‌ها نیز نسبت به این فعالیت‌ها علاقه‌مندتر خواهند شد. علاقه‌مند ساختن و برانگیختن دانش‌آموزان به مطالعه و پژوهش، در گرو تعاملی است که آن‌ها با معلمان خود دارند.

دانش‌آموزان کلاس، در صورتی برای انجام مطالعه و پژوهش از خود علاقه‌مندی نشان می‌دهند که معلمان‌شان در این باره از آن‌ها انتظارات قوی و مثبتی داشته باشند. در غیر این صورت، اگر فعالیت‌های مطالعاتی و تحقیقاتی دانش‌آموزان



جمله‌ی این متغیرها عبارت‌اند از: تمرکز مقدماتی (جلب توجه دانش‌آموزان)، شخصی کردن (پیوند محتوای درس با زندگی دانش‌آموزان)، درگیری (شرکت فعال و هدفمند در فعالیت‌های مطالعه و پژوهش)، هرچه محتوای درس با زندگی واقعی دانش‌آموزان پیوند و ارتباط نزدیک‌تری داشته باشد، معنی‌دارتر و منطقی‌تر جلوه می‌کند و هر آن‌چه که از معنی و منطق قوی‌تری تبعیت کند، کنجکاوی دانش‌آموز را بیشتر تحریک می‌کند.

منبع

* این چکیده‌ی پژوهش از منبع زیر اقتباس شده است:
رضایی، دکتر اکبر - قدم‌پور، دکتر عزت‌الله. چگونگی ایجاد علاقه و انگیزه در دانش‌آموزان به مطالعه و پژوهش از طریق برنامه‌ی درسی. استاد ناظر: دکتر حسین پاشا شریفی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. بهار ۱۳۸۵.

● مناسبات تربیت دینی و

تربیت برای زندگی

برخی تصور می‌کنند تربیت یا باید برای دین باشد یا برای زندگی. در این تصور، تربیت دینی ارتباطی با زندگی افراد ندارد و تنها به بعد آخرتی انسان می‌پردازد، و تربیت برای زندگی به دنیای انسان می‌پردازد و ارتباطی با آخرت فرد ندارد. هر کدام از این دو تصور نیز طرفدارانی دارد. برخی می‌پندارند، بعد معنوی و آخرتی انسان مهم است و لذا باید تربیت دینی را محور قرار داد. برخی هم که به موفقیت زندگی دنیا می‌اندیشند، معتقدند تربیت برای زندگی باید محور قرار گیرد.

پیش از این که به داوری درباره‌ی این دو عقیده بپردازیم، باید ببینیم اساساً تقابل تصور شده میان این دو صحیح است یا نه؟ بنیان این دو دیدگاه بر یک تقابل و تضاد است. آیا این یک تناقض واقعی است یا یک پارادوکس و تناقض ناماست؟ واقعیت این است که میان این دو تضاد و تقابلی وجود ندارد. ابعاد گوناگون تربیت دینی، عواملی برای موفقیت در زندگی به‌شمار می‌روند. اساساً دستورات دینی سبکی از زندگی را ارائه می‌کنند تا دنیا و آخرت فرد را آباد و اصلاح می‌کند. اصلاح آخرت و زندگی جاویدان انسان،

از رهگذر اصلاح دنیا تأمین می‌شود. در آینده خواهید دید که به‌طور مشخص هر کدام از مؤلفه‌های تربیت دینی چه نقشی در زندگی دارد. آن‌چه این‌جا به‌طور کلی مهم

در شمارهی گذشته، درباره‌ی معنای تربیت دینی سخن گفتیم و با معرفی رویکردها، بیان کردیم که تربیت دینی فقط تربیت مناسکی نیست. تربیت دینی ابعاد دیگری نیز دارد که اتفاقاً بنیان‌ها و زیرساخت‌های بعد مناسکی و رفتاری دین هستند. این بحث از آن جهت اهمیت داشت که تصور ما را از تربیت دینی اصلاح کند. از دیگر اشتباهات فکری در تربیت دینی، تصور تناقض میان تربیت دینی و تربیت برای زندگی است. در این شماره، به این بحث می‌پردازیم و نسبت تربیت دینی و موفقیت فرزندان را روشن خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، فضائل اخلاقی، موفقیت در زندگی

تربیت برای زندگی

حجت‌الاسلام عباس پسندیده

است، این که همه‌ی فضایل اخلاقی و باورهای اعتقادی و رفتارهای عبادی، در پیچ و خم زندگی دنیا معنا و کارایی پیدا می‌کنند. بنابراین، تربیت دینی نه تنها با موفقیت در زندگی تضادی ندارد، بلکه تنها راه و بهترین عامل تأمین موفقیت زندگی است. دین، از آن‌جا که از منبع اطمینان‌بخش وحی سرچشمه می‌گیرد، بهترین راه موفقیت انسان است. از این‌رو می‌توان گفت که موفقیت فرزندان جز از راه تربیت دینی تأمین نمی‌شود و تربیت دینی رهاوردی جز موفقیت آنان ندارد.

اجازه دهید برای روشن‌تر شدن بحث، به نتایج یکی از بررسی‌های علمی و اسلامی اشاره کنم. در تیرماه سال گذشته (۱۳۸۷)، همایش «اسلام و آسیب‌های اجتماعی» به همت سازمان بهزیستی کشور برگزار شد. پژوهش بخش اسلامی این همایش را پژوهشکده‌ی علوم حدیث بر عهده داشت که این‌جانب نیز به خاطر مسئولیتم^۱، مستقیماً در همه‌ی موضوعات همایش درگیر بودم. ۹ آسیب اجتماعی محور بررسی قرار گرفته بود که عبارت‌اند از:

۱. اعتیاد، ۲. خودکشی، ۳. فرار از خانه، ۴. کودکان خیابانی، ۵. کودک‌آزاری، ۶. دختران و زنان آسیب دیده و در معرض آسیب، ۷. همسرآزاری، ۸. طلاق و ۹. آسیب‌های نو پدید (مثل اینترنت، ماهواره و...).

نتایج بررسی‌های اسلامی نشان داد که این ۹ موضوع، به چند محور کلی در مطالعات و فرهنگ اسلامی بر می‌گردند: سبک فرزندپروری، سبک ازدواج و زندگی زناشویی، و سبک تربیت جنسی. و در نهایت، همه‌ی این‌ها به سبک زندگی دینی باز می‌گردد.

آن‌چه به موضوع بحث ما مربوط می‌شود، سبک فرزندپروری و رابطه‌ی

آن با آسیب‌های اجتماعی است. باید بگوییم، نابرداری در برابر مشکلات و ناتوانی در تحمل و یافتن راه حل مناسب برای آن‌ها، از عللی است که می‌تواند فرزند را به اعتیاد، خودکشی و یا فرار از خانه بکشانند. فرزندی که توانمندی تحمل و حل مشکلات را نداشته باشد، برای فرار از وضعیت موجود، یا به سمت اعتیاد می‌رود تا وی را از هوشیاری و درک سختی‌های زندگی رها کند و یا دست به خودکشی می‌زند تا به رنج خود پایان دهد و یا با کوچک‌ترین مشکلی از خانه فرار می‌کند و همین امور می‌تواند زمینه‌ی آسیب‌های جنسی و بزهکاری‌های دیگر را فراهم سازد.

طبق نظریه‌ی **مرتون**^۲، لذت‌گرایی و تأکید بیش از اندازه بر دستاورد و دارندگی^۳، از علل گرایش به اعتیاد است؛ زیرا چنان افرادی هنگام دست نیافتن به هدفش، برای تسکین خود به سمت مواد مخدر روی می‌آورد. همین امر ممکن است به خودکشی منجر شود و یا فرد برای یافتن زندگی بهتر، از خانه فرار کند که این خود می‌تواند زمینه‌ی فسادهای بعدی را فراهم سازد. فقدان توان بازداری و خویش‌داری، مقاومت افراد را در برابر محرک‌های جنسی کاهش می‌دهد و موجبات آلودگی‌های جنسی را فراهم می‌کند. این امر می‌تواند در دنیای واقعی و یا مجازی رخ دهد و...

همان‌گونه که می‌بینید، فقدان مؤلفه‌های دینی و وجود عناصر غیردینی

در شخصیت افراد، موجب بروز ناکامی در زندگی و همچنین آسیب‌های اجتماعی می‌شود. لذت‌گرایی افراطی و فقدان توان صبر در برابر مشکلات، وجود حرص و فقدان عنصر قناعت، نارضایتی و زیاده‌خواهی، فقدان تقوا و توان خویش‌داری و اموری از این دست، همگی از عناصر غیردینی هستند که علل بروز این نابهنجاری‌ها محسوب می‌شوند و موجبات ناکامی و شکست را در زندگی فرزندان به‌وجود می‌آورند.

در حقیقت، آسیب‌های اجتماعی به آسیب‌های فردی برمی‌گردد که آن هم به خاطر آسیب‌های اخلاقی و اعتقادی و رفتاری است. در طرف مقابل، تربیت فرزند با مؤلفه‌های صبر، قناعت، رضامندی، تقوا و اموری از این دست، می‌تواند او را در برابر واقعیت‌ها و آسیب‌ها واکسینه کند و مصونیت بخشد. در نتیجه، کام‌یابی و بهروری را برای آنان به ارمغان آورد.

بنابراین، رویگردانی از تربیت دینی، رابطه‌ی مستقیمی با ناکامی دارد و رویکرد به تربیت دینی، رابطه‌ی مستقیم و تنگاتنگ با کام‌یابی و بهروری افراد در زندگی فرزندان دارد. آن‌چه مهم است، این که باید نگاه به تربیت دینی را تغییر داد و از تربیت مناسکی به نوعی تربیت جامع‌نگر روی آورد که شامل مؤلفه‌های گوناگون دین‌داری (در حوزه‌ی اعتقاد، اخلاق و مناسک) شود. چنین تربیتی، موجبات موفقیت فرزندان در زندگی آینده را به‌وجود می‌آورد.

همه‌ی فضایل اخلاقی و باورهای اعتقادی و رفتارهای عبادی، در پیچ و خم زندگی دنیا معنا و کارایی پیدا می‌کنند

پی‌نوشت

۱. محقق و کارشناس پژوهشکده‌ی علوم حدیث

2. merton

3. achievement

منبع

گزارش کار گروه اعتیاد همایش اسلام و آسیب‌های اجتماعی، زیر چاپ.



دکتر یدالله سعیدنیا

آزادی و اختیار

اشاره

در شماره‌ی پیش، ادبیات روان‌شناسی و دینی را برای یافتن تصویری از انسان که روان‌شناسی جدید و قرآن ارائه می‌دهند، مرور کردیم. حاصل این بود که سه موضوع مورد قبول هر دو است:

اول این که انسان لوحی سفید نیست، بلکه هم‌زمان با تولد، با خود نیرویی را می‌آورد که در آن تمایل و کشش به سوی خوبی‌ها و کمال نهفته است. دوم این که انسان دارای قدرت تحلیل و تفکر و تعقل است و سوم این که انسان دارای قدرت اختیار و آزادی انتخاب است.

کلیدواژه‌ها: آزادی انتخاب، قدرت تحلیل، تفکر

ویژگی انسان

آخرین و مهم‌ترین دستاورد بحث قبلی این بود که اگر به هر دلیلی قدرت اختیار و آزادی انسان برای انتخاب سلب شود، نه تنها قدرت تحلیل و تفکر و عقل، قدرتی بی‌مصرف می‌شود، بلکه وجود نیروی کشش به سوی کمال هم دلیل وجودی خود را از دست می‌دهد.

اگرچه بحث قبل کافی به نظر می‌رسید، اما تذکر این که «چرا سلب آزادی انتخاب باعث بی‌حاصلی قدرت تفکر و مانعی در برابر کشش درونی به کمال می‌شود؟» می‌تواند به ارتباط و انسجام بحث این شماره کمک کند.

قدرت تفکر و تحلیل به انسان کمک می‌کند تا بتواند درستی و نادرستی قضایا را تشخیص دهد. مثلاً از انسان خواسته شده است تا با تفکر، درستی و نادرستی حقانیت رسالت پیامبر(ص) را تشخیص دهد. حال اگر آزادی انسان برای انتخاب یکی از دو وجه حقانیت و عدم حقانیت رسالت پیامبر سلب شود و تنها یک راه برای اختیار کردن باشد، وجود قدرت تفکر چه هدفی را دنبال می‌کند؟

هم‌چنین گفته شد که میل به کمال در انسان برخلاف غریزه در حیوانات، ناخواسته انسان را به مطلوب نمی‌رساند، بلکه این کشش و تمایل باید توسط خود انسان حفاظت، مراقبت و تربیت شود. اگر از انسان برای انتخاب مسیر فطری یا غیر آن قدرت اختیار گرفته شود و طی کردن مسیر فطرت تنها راه ممکن باشد، وجود این میل به صورتی که غریزی نباشد، چه هدفی را دنبال می‌کند؟

گذشته از این باید توجه شود که قدرت اختیار برای انتخاب مسیر فطری و یا غیر آن، با وجود توان و نیروی تفکر و تحلیل است که کامل می‌شود. حتی آزادی انتخاب کردن به تنهایی کافی نیست و نیروی تفکر می‌تواند عاملی باشد که انتخاب را به ملاکی متکی می‌کند که منطقی است.

یادآوری این نکته هم حائز اهمیت فوق‌العاده است که باید توجه شود که در عبارت فوق بیان شد که «این کشش باید توسط خود انسان حفاظت، مراقبت و تربیت شود». اگر این گزاره به تعلیل نیاز داشته باشد، در تعلیل آن می‌توان گفت: اگر قرار است این کشش درونی به سمت کمال، توسط افراد دیگری حفاظت، مراقبت و تربیت شود، پس نقش آزادی انتخاب و قدرت تفکر برای تشخیص درست و غلط مسائل چیست؟

به طور خلاصه، انسان با وجود سه ویژگی از حیوان متمایز شده است: ۱. تمایل به کمال؛ ۲. نیروی فکر و ۳. آزادی انتخاب.

شاید بتوان این سؤال را در این‌جا مطرح کرد که: اگر قدرت تفکر و تحلیل با آزادی انتخاب در انسان همراه بود، چه ضرورتی برای وجود کشش درونی به خیر و کمال وجود داشت؟ چرا ارزش‌ها و کمال فرد در وجود وی تعبیه شده است؟ آیا انسان می‌توانست با قدرت تفکر، با گرفتن اطلاعات خارج از خود، مسیر درست را برای خودش تشخیص دهد؟ در جواب باید گفت، به نظر می‌رسد قدرت تحلیل و تفکر اگرچه قادر است که اطلاعات بیرونی را تحلیل کند، ولی باید برای یافتن کمال فردی که برای هر فرد امری است یکتا، ملاکی داشته باشد. انسان برای اختیار کردن چیزی که خارج از خودش به او می‌رسد، نیاز به این دارد که آن را به وسیله‌ی قوه‌ی تفکر و تحلیل خود با یک ملاک بسنجد تا تشخیص دهد که آیا این موافق کمال اوست یا نه! این ملاک همان فطرت یا نیروی کشش و تمایل درونی فرد است.

شاید خواننده‌ی محترم تاکنون به این دلالت بحث پی برده باشد که تا این‌جا هیچ نقشی برای افراد دیگر در فرایند کمال قائل نشده است. این سؤال را باید پاسخ داد که نقش دیگران اعم از پدر و مادر، مربیان، و صاحبان علم و کرامت و پیامبران و دین در فرایند کمال چیست؟ آیا می‌توان از همه‌ی آن‌ها چشم پوشید؟ آیا می‌توان ادعا کرد که حلقه‌ی تکامل با وجود نیروی تفکر، آزادی انتخاب و فطرت، کامل است؟ جواب به این سؤال حساسیت ویژه‌ای دارد. ممکن است تمایل عادی به این که این منابع مهم و بعضاً مقدس - از پدر و مادر، مربیان و صاحبان علم و کرامت و پیامبران و دین - را همواره منابع اصلی تربیت بدانیم، جواب ناسازگاری را بدون دلیل در ذهن ایجاد کند. در این حالت، انتظار عمومی این است که جواب داده شود: «البته که این‌طور نیست! پدر و مادر، مربیان و صاحبان علم و کرامت و پیامبران و امامان، مهم‌ترین ارکان هدایت هستند!»

اما در این‌جا به طور منطقی به دنبال استخراج جواب از بحث انجام شده هستیم. به نظر می‌رسد که به واقع این منابع و مراجع مهم هستند، نقش این منابع، دادن اطلاعات ورودی صحیح و درست به قوه‌ی تفکر و تعقل فرد است. در واقع فرایند کمال ذکر شده، به اطلاعات ورودی نیاز دارد. پدر و مادر به عنوان اولین و دلسوزترین منابع اطلاعات و سپس مربیان به عنوان کامل‌کننده‌ی اطلاعات پیچیده‌تر و دین به عنوان منبعی از اطلاعات خاص که عمده‌تاً قابل دسترسی مستقیم از منابع دیگر نیست، مجموعه‌ی کاملی

انسان با وجود سه
ویژگی از حیوان
متمایز شده است:
۱. تمایل به کمال؛
۲. نیروی فکر و
۳. آزادی انتخاب

اگر قرار بود دیگران برای فردی تصمیم بگیرند، چرا خدا این نیروها را در نهاد انسان قرار داده است

از منابع را در اختیار فرد می‌گذارند تا او بتواند بهترین و سازگارترین انتخاب را با فطرت خودش انجام دهد.

قبول کردن وجود نیرویی در انسان که او را به سوی کمال می‌راند و پذیرفتن این که نیروی تفکر و تعقل در انسان بدون دادن اختیار و قدرت انتخاب، به هیچ روی انسان را کامل نمی‌کند، نه تنها پایان یک بحث علمی نیست، بلکه سرآغاز بسیاری از چالش‌ها در عرصه‌ی تعلیم و تربیت است. به عبارت دیگر، اگرچه ممکن است بحث فوق در ادبیات دینی امری واضح به نظر برسد، ولی دلالت‌های آموزشی ناشی از آن، احتمالاً به راحتی مورد قبول اصحاب تعلیم و تربیت قرار نمی‌گیرد.

بررسی نقش محیط - اعم از منابع فوق‌الذکر و سایر عوامل - بر فرایند کمال، این بحث را وارد حوزه‌ی تعلیم و تربیت می‌کند. وجود فطرت و نیروی تفکر، از انسان قابل سلب نیست، اما محیط می‌تواند در چگونگی عملکرد این دو تأثیر بگذارد. مثلاً قدرت تفکر می‌تواند پرورش یابد و تقویت شود، یا برعکس، تضعیف و ناتوان شود. فطرت نیز می‌تواند با دستکاری‌های محیط نادیده گرفته یا اشتباه درک شود.

مهم‌ترین مأموریت ایجابی محیط از جمله مدرسه، می‌تواند پرورش قدرت تفکر باشد. آسبایی که از محیط ممکن است وارد شود، این است که دادن اطلاعات، بر پرورش قدرت تفکر مقدم شود. حتی ممکن است تمرین‌های فکری کودکان را به بهانه‌ی جلوگیری از انحراف محدود کنیم.

مهم‌ترین آسبایی که به فطرت می‌تواند وارد شود، فشار محیط برای تغییر ویژگی‌های این کشش درونی است. فشار محیط برای کشاندن انسان به سمتی که هم جهت با کشش درونی فرد نیست، باعث توقف کمال و پیدا شدن علائم عدم سلامتی می‌شود. حتی فشار محیط برای آن که یک کشش درونی با نیروی بیرونی انجام شود نیز، علائم مقابله و مقاومت را پدید می‌آورد.

محیط می‌تواند در عنصر دیگر فرایند کمال، یعنی آزادی انتخاب، بیش از همه مداخله کند. محیط گاهی می‌تواند این آزادی را به کلی سلب کند یا بسیار محدود کند، یا به ظاهر آن را به فرد بدهد، ولی در واقع با وابسته کردن بسیاری از نیازهای فرد به انتخاب‌های خاص که از محیط باید تأمین شود، عملاً این آزادی را محدود کند. شیوه‌ی دیگر محدود کردن آزادی انتخاب، در نحوه‌ی دادن اطلاعات به فرد است. اگر نوع اطلاعات از نوع ارزشی و آن هم

همواره از جنسی خاص باشد، می‌تواند باعث نتایج خاص توسط نیروی تفکر و جهت‌گیری خاص توسط فطرت شود. مهم‌ترین دلیل عملکرد جهت‌دار محیط در این مورد، به این باور در مربیان و پدر و مادر برمی‌گردد که آن‌ها فرض می‌کنند می‌دانند کودک در نهایت باید چگونه شود، چه چیزی به صلاح اوست و چه چیزی درست است. اگرچه هیچ ملاکی برای درستی این باور وجود ندارد، ولی حتی اگر چنین باشد، باز هم چنین حقی برای دیگران وجود ندارد که برای کودک تصمیم بگیرند. زیرا این کار باعث سلب آزادی انتخاب و در نتیجه بی‌ثمر شدن نیروی تفکر و فطرت می‌شود. اگر قرار بود دیگران برای فردی تصمیم بگیرند، چرا خدا این نیروها را در نهاد انسان قرار داده است؟

حال زمان آن است که به نحوه‌ی زندگی خود بنگریم. تا چه حد این فرایند کمال را، مانند آن‌چه ترسیم شد، در مورد فرزندان خود فراهم کرده‌ایم؟ در فهرست زیر، مواردی برای تفکر آمده‌اند. در هر یک از موارد زیر که عمده‌ی زندگی فرد را می‌پوشاند، چه قدر آزادی انتخاب برای آن‌ها وجود دارد؟ نوع غذا؛ میزان غذا؛ نوع لباس، کفش و شلوار؛ نوع آرایش مو و صورت؛ مدرسه؛ رشته‌ی تحصیلی؛ زمان حضور در خانه؛ شغل آینده؛ همسر؛ زمان خواب؛ نوع موسیقی؛ نوع فیلم؛ دوست؛ نوع تفریح؛ زمان نماز؛ خواندن نماز؛ اعتقاد به خدا؛ اعتقاد به پیامبر؛ روش سیاسی؛ نوع ورزش؛ دین؛ نوع اعتقاد به دین؛ مفهوم تدین؛ کلاس‌های غیردرسی؛ موضوعات درسی؛ زمان درس خواندن؛ میزان درس خواندن؛ نمره‌ی مطلوب.

اگر با بی‌طرفی این فهرست را بررسی کنیم، بعید است میزان آزادی انتخاب فرزندان بیش از ده درصد شود. وقتی کودک ۶-۷ ساله است، به دلیل ناتوانی در تشخیص خطر، مانع انتخاب وی می‌شویم. ۱۱-۱۰ سالگی، به نظر ما هنوز عقلش نمی‌رسد. در ۱۶-۱۵ سالگی هنوز نپخته است. در ۲۱-۲۰ سالگی جوان است و جاهل! وقتی ۲۶-۲۵ ساله هم می‌شود، هنوز ظرفیت برخی مسائل را ندارد!

در واقع، در هر سنی، دلایل موجهی برای محدود کردن آزادی انتخاب وجود دارد. در واقع باید از تصمیم‌گرفتن جای دیگران دست برداشت و به هر انسانی به دلیل داشتن عقل، فطرت و آزادی انتخاب، اعتماد کرد. با نگرانی از این که فرزند یا شاگرد به گمراهی می‌افتد، نباید قدرت انتخاب را سلب کرد.

شناخت مغز

در شماره‌ی قبل مقدماتی را در ارتباط با آموزش و یادگیری مغز محور بیان کردیم. در این شماره به راهکارهایی برای اجرای بهتر این نوع آموزش و یادگیری می‌پردازیم.

● تدریس به دانش‌آموزان در ارتباط با سیستم مغز شان

زمانی که دانش‌آموزان ساختارهای اساسی مغز شان را بشناسند، بهتر می‌توانند رفتارهای خود را تنظیم نمایند. ساختارهای اساسی شامل مغز ابتدایی (مخچه، ساقه‌ی مغز)، قشر مخ (قطعه‌های پیشانی، آهیانه، پس سر و گیجگاه)، عملکرد سلول‌های عصبی مغز و... می‌باشد. آموزش این ساختارها را می‌توان برای دانش‌آموزان دوره‌ها و پایه‌های گوناگون نیز بیان کرد^۱.

اگر دانش‌آموزان با سیستم مغز و یادگیری آشنا شوند، رفتارهای خود را به خوبی تحلیل می‌نمایند. مثلاً در حالت تحرک و ورزش می‌توانند بگویند چه قسمت‌هایی از مغز شان فعال است یا در یادآوری یک خاطره، یا فکر کردن و حتی رعایت موارد تربیتی مثل نظم و احترام می‌توانند قسمت‌های درگیر مغز شان را نام ببرند. دانستن این مسئله که در انجام فعالیت‌ها کدام قسمت مغز فعال می‌شود، موجب می‌گردد که دانش‌آموزان به صورت خردمندانه و هوشمندانه به فعالیت بپردازند و انجام فعالیت‌ها را صرفاً به صورت سطحی انجام ندهند.

دانش‌آموزان باید بدانند که پایه و اساس فیزیکی مغز همه‌ی آن‌ها یکسان است، یعنی قسمت‌های مختلف مغز در همه‌ی افراد یکی است؛ مغز هرکس دارای دو نیم‌کره است و هر نیم‌کره قطعات پیشانی، گیجگاه، آهیانه و پس سر و... می‌دارد. در عین حال نوع تجارب و یادگیری‌ها موجب ارتباط سلول‌های عصبی کمتر یا بیشتری می‌شوند و همین تنوع و منحصر به فرد بودن تجارب موجب می‌گردد که آن‌ها خودشان را متفاوت و منحصر به فرد ببینند و از مقایسه‌های بی‌اساس اجتناب نمایند.

● تدریس به دانش‌آموزان درباره‌ی تأثیر حیاتی آب بر کارکرد بهینه‌ی کل بدن به خصوص مغز

بیشتر از ۷۸ درصد وزن مغز را آب تشکیل داده است و مغز نسبت به همه‌ی قسمت‌های بدن، آب بیشتری دارد. از دست دادن آب بدن، یکی از مشکلات عمده‌ای است که منجر به ضعف در یادگیری می‌شود. در زمان تشنگی، تراکم نمک در خون بالاتر می‌رود و سطح بالاتر نمک باعث بالا رفتن فشارخون و فشار روانی می‌شود و بر یادگیری تأثیر منفی می‌گذارد، دقت کاهش می‌یابد و در نتیجه یادگیری کاهش پیدا می‌کند.

تشویق دانش‌آموزان به نوشیدن آب در طی روز، حتی از طریق برنامه ریزی در کلاس درس، و نیز آگاهی دادن به آن‌ها در ارتباط با ارتباط کم‌آبی مغز و یادگیری ضعیف، به آن‌ها کمک می‌کند که آن‌ها هوشمندانه آب بخورند؛ یعنی بدانند که کمبود آب چه خطراتی برایشان دارد، و برعکس، با نوشیدن آن مغز چه کمکی را دریافت می‌نماید.

زیرنویس

۱. آموزش مغز، با دانش‌آموزان پایه‌ی اول ابتدایی دبستان رشد تهران، در سال ۸۷ توسط نویسنده اجرا شده است.

آموزش انتقادی ریاضیات

زهره حاجی آخوندی

دبیر ریاضی، کرج

بی‌چون‌وچرا می‌پذیرد و برای خود هیچ حقی در ساخت سرنوشت خویش قائل نیست. در حالی که یکایک دانش‌آموزان به‌عنوان انسان این حق را دارند که بدانند در اطرافشان چه می‌گذرد و خود را در ساخت زندگی فردی و جمعی خود، اعم از مسائل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مؤثر بدانند و این امکان برایشان فراهم باشد که درباره‌ی هرچه می‌بینند، سؤال کنند، به دنبال پاسخ سؤالانی باشند که در ذهنشان نقش بسته است، با کنجکاوی‌های خود زندگی آینده‌شان را رقم زده و روش درست زندگی کردن را بیاموزند.

آموزش سنتی و رایج در مدارس ما به گفته‌ی پائولو فریره «آموزش بانکی» است که در آن معلم خوب، معلمی است که انبارکننده‌ی خوبی باشد و بتواند اطلاعات بیشتری را در ذهن دانش‌آموزان انبار کند تا در زمان نیاز آن‌ها را بازپس گیرد. فریره به شدت با این نوع آموزش مخالف است و روش آموزش جدیدی را معرفی می‌کند به نام «آموزش مسئله طرح کن». در این شیوه نقش معلم، طرح کردن مسئله است. معلم خوب کسی است که بتواند مسائل بهتری را طرح کند به گونه‌ای که دانش‌آموز به فکر کردن تحریک شده و علاقه‌مند شود که به دنبال آن برود، نه این که تنها به حل آن‌ها بپردازد. حتی اگر دانش‌آموزی به جواب موردنظر معلم نرسیده باشد، مهم نیست، زیرا روند درست فکر کردن و فعال شدن ذهن مهم‌تر از رسیدن به جواب نهایی مسئله است.

روشی که فریره در آموزش مسئله طرح کن خود به آن اشاره می‌کند، گفت‌وگوشود است که در کلاس‌های درس سنتی خصوصاً ریاضیات کمتر اجرا می‌شود. معلمان غالباً بر سخنرانی، توضیح مطالب و حل مسائل یا پر کردن تخته‌ها از اعداد و ارقام و اشکال تکیه می‌کنند، در این روش دانش‌آموز تبدیل به موجود منفعلی می‌شود که وظیفه‌اش گوش دادن

پس از ورود به دانشگاه و تحصیل در رشته‌ی علوم تربیتی، گرایش برنامه‌ریزی درسی و آشنایی با فلسفه‌ی تربیتی پائولو فریره در آموزش و پرورش انتقادی، گویی وارد دنیای جدیدی از روش‌های تدریس و یادگیری شدم. پیش از این تصور نمی‌کردم که بتوان آموزش را پدیده‌ای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تلقی کرد که معلم و شاگرد در آن سهیم باشند. این که دانش‌آموزان قرار است یاد بگیرند که چه‌طور سرنوشت فردی و اجتماعی خود را رقم بزنند و نسبت به شرایط فرهنگی و اجتماعی خود واکنش نشان داده و از آموزش به‌عنوان وسیله‌ای برای رهایی بخشی از سلطه بهره بگیرند. وقتی با آموزش انتقادی ریاضیات آشنا شدم، جذابیت این نظریه برایم دوچندان شد. سال‌ها به خاطر علاقه‌ی فراوانی که به ریاضی، خصوصاً تدریس آن داشتم و از همین‌رو در رشته‌ی ریاضیات کاربردی در دانشگاه تحصیل کرده بودم، همواره به دنبال راه‌های خلاقانه و جدید آموزش خصوصاً در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی بودم که آن را در نظر دانش‌آموزان زیبا و کاربردی جلوه دهم؛ چرا که مسائل روزمره در دوره‌های پایین‌تر ملموس‌تر و عینی‌تر هستند و دانش‌آموزانی که هنوز در مرحله‌ی شناخت عینی اشیا هستند قادرند آن‌چه را که نماد واقعی دارد بهتر درک کنند.

اکنون که با نظرات فریره، آموزگاری که معتقد به آموزش و پرورش انتقادی در مدارس بود و عمر خویش را در نظریه‌پردازی و اجرای این دیدگاه سپری کرد، آشنا شده‌ام، مشتاقم معلمان دلسوز و علاقه‌مند را نیز نسبت به این دیدگاه آگاه کنم؛ شاید آن‌ها نیز به گونه‌ی دیگری به آموزش و یادگیری بنگرند و آن را فعالیتی مؤثر برای آموزش زندگی و ساخت سرنوشت دانش‌آموزان خود بدانند و به آن‌ها کمک کنند تا به همه چیز از منظر یک نقاد فعال (کارساز) نگاه کنند، نه موجودی منفعل و کارپذیر که هرچه به او می‌گویند

پائولو فریره کیست؟
پائولو فریره دانشمند و آموزگار برزیلی است که تحت تأثیر مسائل اقتصادی - اجتماعی حاکم بر جامعه‌ی برزیل برای مبارزه با فقر به فکر آموزش و پرورش افتاد که در آن این شناخت و آگاهی به فقرا و ستمدیدگان داده شود که بدانند انسان‌هایی صاحب اراده‌اند که می‌توانند فرهنگ و جهان خود را بسازند. او از آموزش سنتی که در آن «فرهنگ سکوت» ترویج می‌شد به شدت انتقاد می‌کرد و معتقد بود ستمدیدگان از طریق این آموزش‌ها غرق در فرهنگی می‌شوند که به آن‌ها سکوت کردن در برابر ستم ستمگران و زودباوری تلقین می‌شود. فریره چند اصل زیر را در کتاب‌هایش طرح می‌کند که حاکی از رویکرد وی به این موضوع است:
۱. اعتقاد به توانایی افراد برای فراگیری، دگرگونی و رهایی خویش از شرایط سرکوب‌کننده‌ی جهل، فقر و استثمار؛
۲. تماس مستقیم فراگیرندگان با واقعیت‌های خاص زندگی و مسائل مربوط به آن و تجزیه و تحلیل فشارها و محدودیت‌های تحمیل‌شده به آنان از سوی ساختار اجتماعی و ایدئولوژی رسمی؛
۳. طرد تفاوت‌های موجود بین «آموزش‌دهنده» و «آموزش‌گیرنده» و در نظر گرفتن هر دو به‌عنوان «فراگیرنده»؛
۴. گفت‌وگوشود آزاد؛
۵. مشارکت در کوشش‌های رهایی‌دهنده و توانایی در تغییر سرنوشت برای رها شدن از سلطه‌ی دیگران.

رشد آموزش
راهنمایی
تحصیلی

و اجرا شود:

برای آموزش انتقادی ریاضیات در هر کلاسی لازم است نکاتی مدنظر قرار گرفته

۱. طرح سؤال‌هایی منطبق بر واقعیت با امکان اجرای عملی آن‌ها: بسیاری از

مباحث ریاضی را می‌توان با دادن تکلیف‌هایی آموزش داد که از قبل شاگردان اطلاعاتی راجع به آن جمع‌آوری کرده و درباره‌ی آن فکر می‌کنند. مسائلی که حین آموزش، آن‌ها را با مسائل اقتصادی و اجتماعی جامعه‌ی خود آشنا کرده و به آن‌ها می‌آموزد که چگونه فکر کنند، عمل کنند و در نهایت در آینده چه‌طور زندگی کنند. لازم است مسائل نظری محض ریاضیات با عمل آمیخته شود تا کاربرد آن مشخص شود و بتوان به‌طور ملموس در زندگی آن را آموخت. برای این کار لازم است معلمی فکور و هنرمند برای آموزش این نظریه‌ها، فرمول‌ها و قاعده‌های خشک و بی‌روح، مصداقی در واقعیت بیابد که هم درس زندگی برای دانش‌آموزان باشد و هم در لابه‌لای آن قاعده‌هایی آموزش داده شود که لازمه‌ی هر کلاس درسی است.

۲. فراهم کردن فضایی باز برای صحبت کردن و نقد کردن: در صورتی که در

یک کلاس فضای آزاد توأم با آرامش و به دور از ترس از انتقاد وجود داشته باشد، دانش‌آموزان می‌آموزند که به راحتی حرف خود را بزنند، نظر مخالف را بشنوند، و برای یکدیگر احترام قائل شوند. با وجود چنین فضایی اعتماد به نفس دانش‌آموزان افزایش می‌یابد و قدرت ابراز وجود و نظر دادن را کسب خواهند کرد. وجود فضای باز در کلاس، به دانش‌آموزان این فرصت را می‌دهد تا پاسخ‌های درست یا نادرست خود را بدون اضطراب طرح کنند، درباره‌ی پاسخ‌های مختلف مسئله فکر کنند و با بحث و گفت‌وگو پاسخ‌های نادرست را از درست تشخیص دهند. آن‌ها باید بیاموزند هیچ پاسخی را بدون فکر کردن نپذیرند، حتی به آن چه معلم می‌گوید منتقدانه نگاه کنند و از فکر و عقیده‌ی خود در انتقادهایشان، کمک بگیرند و با استدلال و منطق آن را اثبات کنند.

۳. از بین بردن اضطراب ریاضی دانش‌آموزان: برای کاهش این اضطراب، لازم

است برای فکر دانش‌آموز، حتی برای پاسخ‌های غلط او ارزش قائل شد و هرگز نباید او را مسخره کرد یا نسبت به تلاش فکری او بی‌اعتنا بود. باید برای هر پاسخی (اعم از درست و نادرست) توضیحی از دانش‌آموز خواسته شود تا او دلایل و تحلیل خویش را برای پاسخش بیان کند. گاه روش‌های پیشنهادی خلاقانه است و باید امتیازی برای خلاقانه اندیشیدن دانش‌آموز در نظر گرفت. مهم این است که دانش‌آموزان به مسئله فکر کرده باشند و بی‌دلیل و مقلدانه مسائل را حل نکرده باشند.

۴. دادن نقش معلم به دانش‌آموزان: لازم است دانش‌آموزان جایگزین معلم شوند و

برای توضیح مسائل نقش معلم را ایفا کنند و به زبان ساده و آن گونه که خود مسئله را درک می‌کنند آن را برای خود و همکلاسی‌هایشان بازگوئی کنند. این کار موجب می‌شود آن‌ها دقیق‌تر به مسائل نگاه کنند و با موشکافی آن‌ها راحت‌تر پاسخ دهند. چرا که اولین و اساسی‌ترین گام در حل مسائل، فهم دقیق آن‌هاست.

و نوشتن در کلاس و حفظ کردن مطالب و حل تمرین‌های مشابه در خانه است. کمتر به دانش‌آموز اجازه داده می‌شود که به آن چه در کلاس گفته می‌شود فکر کند، درباره‌ی آن نظر دهد و یا راه‌حلی پیشنهاد کند. در کلاس‌های ریاضی بیشتر وقت کلاس به حل مسائل توسط معلم می‌گذرد، در حالی که باید فرصت بیشتری برای بحث درباره‌ی موضوعات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در نظر گرفته شود تا ارتباط بین آن‌ها و ریاضیات برای دانش‌آموزان ملموس و قابل فهم باشد.

در روش گفت‌وشنود برخلاف روش‌های سنتی، معلم نقش کمتری در ارائه‌ی مطالب دارد و در کلاس هماهنگ‌کننده و هدایت‌کننده‌ی بحث است. دانش‌آموزان به منزله‌ی اعضای یک گروه دور هم جمع می‌شوند و راجع به مسئله‌ای که معلم در قالب مسائل اجتماعی و فرهنگی طرح می‌کند بحث می‌کنند و نظر می‌دهند. آن‌ها با آمادگی در کلاس حاضر می‌شوند تا نظر خود را ابراز کرده، آن را تحلیل کنند و به نظرات دیگر اعضای گروه نیز گوش داده و منتقدانه آن‌ها را نقد کنند، در حالی که برای نظر یکدیگر احترام قائل‌اند. در این روش، وظیفه‌ی اصلی معلم طرح هنرمندانه و دقیق مسئله است تا کنج‌کاوی دانش‌آموزان را برای یافتن پاسخ برانگیزد و برخلاف آموزش بانکی که در آن به انتقال اطلاعات از معلم به دانش‌آموزان بسنده می‌شود، وظیفه‌ی معلم نخست طرح دقیق سؤال و سپس هدایت بحث و گفت‌وگو پیرامون موضوع تا دستیابی به پاسخ‌های محتمل برای آن است. در این روش گاه معلم، در حین گفت‌وشنود مطالبی از دانش‌آموزان یاد می‌گیرد. بنابراین دوگانگی میان معلم و شاگردان از بین می‌رود و الگوی سنتی و دوگانه‌ی معلم شاگردان و شاگردان معلم به الگوی متحد و یگانه‌ی معلم - شاگرد تبدیل می‌شود. بدین معنا که معلم و شاگردان هر دو مسئول فرایند یادگیری خواهند بود.

ماه مهر، ماه دوستی‌ها و مهرورزی‌ها، چند روزی بود که آغاز شده بود. با توکل بر خدا و گرفتن ابلاغ وارد مدرسه شدم. در دفتر، همکاران مشغول خوردن چای بودند. مدیر مدرسه، (آقای مجد) به گرمی از من استقبال کرد و پرسید: «چند سال سابقه‌ی تدریس دارید؟»

– حدود ۱۰ سال در رشته‌ی ریاضی...
– ما ساعت ریاضی کم داریم، ولی سعی می‌کنم ساعت شما را پر کنم.
در همین موقع، زنی که چادرش را جمع‌وجور می‌کرد، سراسیمه وارد دفتر شد. پوشه‌ای در دست داشت و بسیار رنگ‌پریده بود. گفت: «آقای مجد را می‌خواهم...»

– بله بفرمایید خودم هستم:
زن با صدای لرزان گفت: «تو را به خدا نام بچه‌ی مرا بنویسید، هر جا او را می‌برم، می‌گویند به مدرسه‌ی شما می‌خورد. به خدا دو روز است که از کارفرما اجازه گرفته‌ام و سرکار نرفته‌ام.»
– ولی خانم ما جا نداریم...

نگاهی به زن انداختم و پوشه را از او گرفتم. روی پوشه نوشته بود: نام: **علی**... نام پدر: **سیف‌الله** (فوت کرده)... وضعیت جسمی: بیماری صرع دارد.

انگشت خود را زیر جمله‌ی «پدرش فوت کرده» بردم و آن را به آقای مجد نشان دادم. نگاهی کرد و گفت: «باشد، حالا ببینم چه کار می‌توانم بکنم.»

بعد آقای **کریمی**، معاون مدرسه را صدا کرد و پس از دیدن چند ورق، پوشه را گرفت. و روی ورقه‌ای نوشت کلاس ۱/۳ ... و او دانش‌آموز مدرسه شد.
هنگام بیرون رفتن از دفتر، مادر دانش‌آموز نگاهی کرد و گفت: «آقا ممنونم...»

کلاس علی در برنامه‌ی درسی من بود. وقتی به کلاس رفتم، کنجکاو بودم که علی را ببینم. هنگام حضور و غیاب نام او را خواندم. پسری ریزنقش با رنگ پریده و لباس‌های نامناسب بود. دلم لرزید! خیلی فعال، باهوش و با ادب بود. به بهانه‌ی دیدن دفترش، نزد او رفتم. بلند شد.
– بشین.



آقا، شما خیلی خوب هستید

سید ابراهیم حسینی

دبیر ریاضی

رشد آموزش
راهنمایی
تحصیلی

لبخندی زد.

– آفرین! دست‌خط خوبی داری. مسئله‌ها را هم که حل کردی. از کسی کمک می‌گیری؟
– آقا خودم حل کردم.

زنگ که خورد، از پنجره به حیاط نگاه کردم. گوشه‌ای ایستاده بود به تماشای بچه‌ها. احساس کردم خیلی تنهاست و با کسی دوست نیست...

در مورد او، با همسر که دبیر است، مشورت کردم. گفت: «بهتر است که به او نزدیک شوی و اعتماد او را جلب کنی! من هم با مادرش صحبت خواهم کرد.»

چند روز بعد که در دفتر نشسته بودم، صدای همه‌پهمی بچه‌ها را شنیدم. مدیر به سرعت از دفتر خارج شد و من هم به دنبال او. علی روی زمین افتاده بود. می‌لرزید و کف از دهانش خارج می‌شد. بچه‌ها دور او جمع شده بودند. با صدای بلند گفتیم: «دور او را خلوت کنید...»

خم شدم، او را بغل کردم، به دفتر آوردم و روی صندلی خواباندم. با دستمال دهان او را پاک کردم.

چشم که باز کرد، گفت: «آقا ببخشید.»
دستی سرش کشیدم و به او آب‌قند دادم.
– آقا من اذیت کردم... ببخشید!

گفتم راحت باش و باز کمی آب قند به او دادم. گفت: «خوبم آقا... اجازه می‌دهید برم سرکلاس؟»

– لازم نیست. کمی بیش‌تر استراحت کن.
بعد بیا سرکلاس منتظرت هستم.
– باز هم مرا ببخشید آقا!

همسر با مادرش صحبت کرد و با موافقت او، علی را نزد پزشک متخصص بردیم. وقتی که دکتر او را معاینه کرد و علت را فهمید، داروهای لازم را نوشت و دستورات غذایی داد. بعد آهسته مرا صدا زد و گفت: «علی کمبود غذایی زیادی دارد. باید به او بیش‌تر رسیدگی بشود.»

بعد از تهیه‌ی دارو، همسر به خانه‌ی آن‌ها رفت و دارو را برد. مادر علی هم برای او داستان زندگی‌اش را تعریف کرد.

علی پدرش را در یک حادثه‌ی تصادف از دست داده و راننده فرار کرده بود. چون شغل

پدرش دست‌فروشی بود و منبع درآمدی نداشت، به ناچار مادر در لباس‌شویی بیمارستانی مشغول به کار شد. علی و حسین برادرش، در اتاق کوچکی که اجاره کرده بودند، تنها بودند. مادر که عزت‌نفس بالایی داشت، می‌گفت: «می‌خواهم با دسترنج خودم، بچه‌ها را بزرگ کنم تا در آینده سرخورده نشوند.»

در جلسه‌ای که با مدیر، معاون و رییس انجمن داشتیم، موضوع را گفتم. آن‌ها بسیار متأثر شدند. رییس انجمن، آقای علایی که فردی خیر و بسیار متدین بود، قول داد که در اسرع‌وقت کاری کند و ما را در جریان بگذارد.

علی هر روز رنگ پریده‌تر و ضعیف‌تر می‌شد و مادرش هم با گرفتن کمک مالی موافق نبود. در درس‌ها بیش‌تر با او کار می‌کردم. گاهی از مدرسه تا خانه با او می‌رفتم و در راه با هم شکلات و بستنی... می‌خوردیم و با هم صحبت می‌کردیم. نگاهش به زندگی رنگ تازه گرفته بود. خیلی خوش‌حال بود و از ته دل می‌خندید و من لذت می‌بردم.

روزی علی به من گفت: «آقا ما شما را خیلی دوست داریم. وقتی با شما هستیم، خیلی راحتیم. آقا شما خیلی خوب هستید.»
و اشک در چشمان پاک و پر از نیاز به محبتش پر شد.

آقای علایی چند هفته بعد به مدرسه آمد. وقتی مرا دید، خوش‌حال و خندان جلو آمد و با لبخند گفت: «خدا بخواهد و اگر قبول کند، جای خوبی برای آن‌ها پیدا کردم. مادر یکی از تاجره‌های معروف در خانه‌ای تنها زندگی می‌کند و کسی را می‌خواست که با او باشد. ماهیانه هم مبلغی می‌دهد و بچه‌ها را هم قبول کرده است. من خودم بقیه‌ی کارها را تضمین می‌کنم.»

مادر علی که زنی تنها و جوان با دو بچه بود، خیلی سخت قبول کرد و من و همسر، او و بچه‌ها را به خانه‌ی جدیدشان بردیم. خانه‌ای نسبتاً بزرگ، با تمام امکانات رفاهی که زنی میان‌سال، تنها و خیلی مهربان در آن زندگی می‌کرد.

تنها پسر او که در خارج از کشور بود، هزینه‌ی زندگی او را تأمین می‌کرد.

آن خانم با مهربانی به سوی حسین رفت. او را بغل کرد و از روی میز شکلات و شیرینی به او داد. بعد نگاهی به علی کرد و پرسید: «پسر کلاس چندم هستی؟»

وقتی فهمید علی در پایه‌ی اول راهنمایی درس می‌خواند، لبخندی زد و گفت: «خودم در درس‌ها بهت کمک می‌کنم» و به سرش دستی کشید. وقتی به مادر علی نگاه کردم، در چهره‌اش نگرانی نبود و لبخندی بر لب داشت. چند روزی از جابه‌جایی آن‌ها می‌گذشت. همسر به دیدن آن‌ها رفت و خیلی خوش‌حال از دیدن آن‌ها برگشت. و گفت: «خدا را شکر! مادر علی آرامش پیدا کرده و حسین با آن خانم انس گرفته و با شیرین‌زبانی خود شادی به خانه آورده است. علی هم بهیودی نسبی پیدا کرده و شادتر و با روحیه‌ای بسیار خوب و امیدوار، به همه‌ی زیبایی‌های زندگی لبخند می‌زند.»

و من خدا را شکر می‌کنم که این خانواده، مورد حمایت خانوادگی خوب و متدینی قرار گرفته و زندگی برای آن‌ها سبز شده است و هر روز بهتر از روز قبل می‌شود.

آن سال علی شاگرد اول مدرسه و حافظ ۵ جزء قرآن شد و من بسیار خوش‌حال از این‌که نگاه او به زندگی متفاوت شده است!

علی هروقت مرا می‌دید، با لبخند و چشمانی پر از امیدواری می‌گفت: «آقا من شما را به اندازه‌ی پدرم دوست دارم! خیلی ممنون هستم. شما خیلی مهربان هستید.»

و من از خدا می‌خواهم که یاری‌ام کند، شاید بتوانم گوشه‌ای از کمبود پدرش را جبران کنم.

اکنون سالیان زیادی گذشته است و علی مهندس شرکت نفت و حسین جراح مغز و اعصاب است و مادرشان با افتخار و سربلندی با آن‌ها زندگی می‌کند. هنوز علی هم در کارها با من مشورت می‌کند و من هم او را راهنمایی می‌کنم و مشوق او در همه‌ی مراحل زندگی هستیم. او همیشه با نگاه و لبخندی به قشنگی همه‌ی گل‌های دنیا با من حرف می‌زند و من خوش‌حال از این‌که با عشق و علاقه به معلم بودن، در خانه‌ی مهرورزی (مدرسه)، دو انسان متعهد و واقعیت‌پذیر به جامعه تحویل دادم.



هفت گناہ من

سید عبدالحمید میر حسینی

دبیر زبان انگلیسی

بر آن شدم کہ مطالبی «برای معلمان» و «با زبان معلمی» بنویسم از نوعی دیگر و غیر از آن چه تا بہ حال «گفته‌اند و شنیده‌ایم و خوانده‌ایم». البتہ این خود تناقضی است کہ با زبان رایج معلمی بتوان چیزی نوشت، غیر از آن چه در بازار نوشتن و خواندن و گفتن و شنیدن رایج است! با این حال، از آن جا کہ در ده سال گذشتہ کہ «از قضای روزگار» بہ تدریس پرداختہ‌ام، غالباً (ولی نہ ہمیشہ) مشتاق بودم کہ بہ قول خواجه حافظ «از خلاف آمد عادت». گام بردارم و لذا فکر کردم از لایہ لای این پراکنده کاری‌ها، شاید بتوان چیزی یافت کہ حرفی نو برای کسانی داشتہ باشد کہ آن‌ها ہم «از قضا» بہ وادی معلمی وارد شدہ‌اند.

از طرف دیگر، زمانی، چیزهایی ہم دربارہ‌ی دغدغہ‌های «معلمانہ» نوشتہ بودم کہ ظاہراً خاطرہ‌ای خوش از چالش‌های آن نوشتہ‌ها در ذہن انگشت‌شمار خوانندگانشان باقی ماندہ است. پس شاید ہنوز ہم چیزهایی از آن دست در چنتہ داشتہ باشم. بہ سراغ آن نوشتہ‌ها رفتم و دو سہ نمونہ از آن‌ها را لایہ لای انبوہ کاغذپارہ‌هایی کہ از سال‌های قبل انباشتہ شدہ بودند، پیدا کردم. در یکی از آن‌ها کہ در نشریہ‌ای با تاریخ شش سال پیش چاپ شدہ بود، نکات زیر جلب نظر می‌کرد: «از نظر گاہ نقادانہ، آموزش را بہ طور کلی می‌توان بہ دو نوع تقسیم‌بندی کرد: نخست آموزش سنتی کہ می‌توان آن را آموزش برای «اہل سازی» نامید... محصول چنین نظام آموزشی، افرادی ہستند کہ ہمیشہ منتظر دستورند و ہیچ گاہ قادر نیستند بہ سوی ہیچ تغییر و بہبودی در جامعہ حرکت کنند... در مقابل آموزش اہلی ساز، نوع دوم آموزش قرار دارد کہ... بہ جای جمع‌آوری اطلاعات، بر یادگیری «خود انگیختہ» تأکید می‌ورزد و مشوق «پرسش گری فعال» و «جست‌وجوگری» است».

با نگاہ امروز، در این نوشتہ، چندان چیزی از نوعی دیگر و غیر از آن چه ہزار بار «گفتہ‌اند و شنیده‌ایم و خوانده‌ایم» نیافتم. خود را تصور کردم کہ در آن زمان از لایہ لای کتاب‌ها

برای «تحول اساسی» در آموزش و پرورش باید از این حرف‌ها گفت و شنید

و مجلات گوناگون این سخنان نغز را «کشف» کردم و به کسانی دادم که آن‌ها را حرف‌های جدیدی در حیطه‌ی آموزش یافتند و با اشتیاق در نشریه‌ی مذکور چاپ کردند. البته در آن زمان واقعاً باور داشتم که این‌ها نکات ارزشمندی است و برای «تحول اساسی» در آموزش و پرورش باید از این حرف‌ها گفت و شنید. اما چنین حرف‌های فریبنده‌ای چیزی نیست که «از زبان معلمی» و برای «معلمان» نوشته شده باشد و بتوان از معلمان مدارس کشور انتظار داشت که حتی یک‌بار آن را بخوانند. پس چه باید گفت؟!

نگاه دوباره‌ای هم به چند شماره‌ی اخیر مجله‌ی «رشد آموزش راهنمایی تحصیلی» انداختم تا لااقل ببینم چه نباید گفت! نوشته‌های «رشد آموزش راهنمایی تحصیلی» هم غالباً (البته نه همه) بازگوکننده‌ی ماجراها و دغدغه‌های دیگری از نویسندگان خود بودند که فریاد این دغدغه‌ها مانع از به گوش رسیدن صدای خود نوشته‌ها می‌شد.

پس ظاهراً چیزی برای نوشتن باقی نمی‌ماند که هم توسط معلمان خوانده شود، هم جدی گرفته شود، و هم با «زندگی معلمی»، با تمام ویژگی‌هایی که در نظام آموزش و پرورش کشورمان دارد، مرتبط باشد، مگر این که اساساً درباره‌ی چیزی غیر از معلمی و یا حتی ضد معلمی به گونه‌ای که می‌شناسیم باشد. با رسیدن به این نکته، به یاد مطلبی افتادم که در روزنامه دیده بودم و مرا به یاد ایوان ایلیچ و ماجرای «مدرسه‌زدایی» او انداخت [Illich, 1970]. محتوای مطلب روزنامه اجمالاً این بود که نوزادانی که با شیر مادر تغذیه می‌کنند، در دوران مدرسه موفق‌تر هستند و احتمال قبولی آن‌ها در کنکور بیشتر است! ایلیچ

باید این مطلب را می‌خواند تا بفهمد که در جامعه‌ی ما، نه تنها مدرسه و افکار مدرسه‌زده‌ی منجمد زده نشده است، بلکه مدرسه‌زدگی در تمام ابعاد زندگی ما رسوخ کرده است. عمق این رسوخ تا حدی است که حتی در شیر دادن به نوزاد نیز به جای اندیشیدن به سلامت و رشد امروز او، به مدرسه و کنکور «نافردا»ی او فکر می‌کنیم. پس نیاز به «مدرسه‌زدایی از جامعه»، امروز بیش از هر زمانی وجود دارد و در این راه شاید «معلم‌زدایی» مهم‌ترین دغدغه‌ی پیش رو باشد.

زدودن بسیاری از جنبه‌های ذهن و زبان و رفتار معلمی به‌صورت رایج و مسلط آن در جامعه‌ی امروز (و البته نه معلمی از سنخ شغل انبیا که امروز بسیار نادر است)، امری است که حداقل ارزش مطرح شدن را دارد. آن‌چه در جریان «معلم‌زدایی» اهمیت دارد، زدودن گناهان معلمی است که باید از آن‌ها توبه کرد. از این‌رو، در ادامه‌ی این بحث، به هفت گناه معلمی خواهیم پرداخت که البته زدودن آن‌ها نه فقط به عهده‌ی معلمان، بلکه نیازمند به هم پیوستن «ابر و باد و مه و خورشید و فلک» است، و آن گناهان این‌هاست: «بی‌پولی»، «درس دادن»، «هدایت‌گری و الگو بودن»، «ارزش‌یابی کردن»، «بی‌ربط بودن به زندگی»، «جامعه‌پذیری» و «دانش‌آموز نبودن».

زیرنویس

* از خلاف آمد عادت به طلب کارم که من کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم

منبع

*Illich, I. (1970). *Deschooling Society*. New York: Harper & Row.

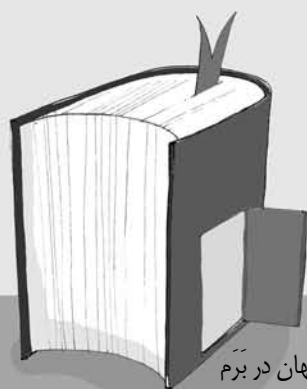
معلم: همه درس‌ها را به عهد شباب
بخواندم، نیاور برایم کتاب!
نیازی به افزودن علم نیست
به حاضر جوابی، هم‌اورد کیست؟



تصویر ساز: مهدی رضائیان

اندر حکایت دیران بی مطالعه

دانش‌آموزان: چرا و چگونه؟ کی و چی؟ کجا؟
بگو پاسخ پرسش ما به‌جا!

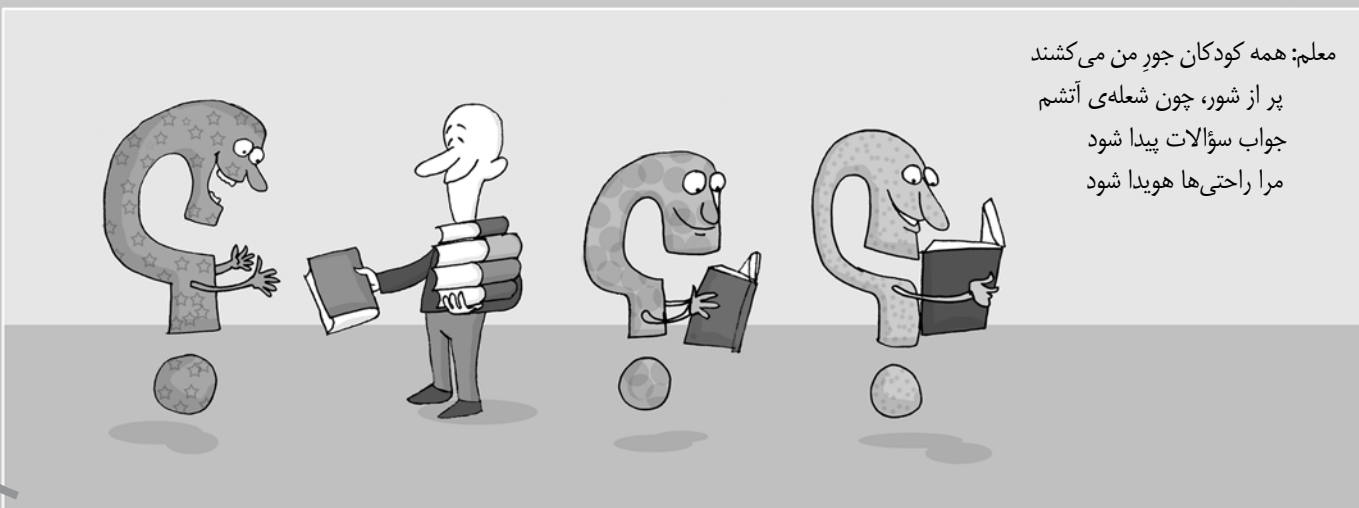
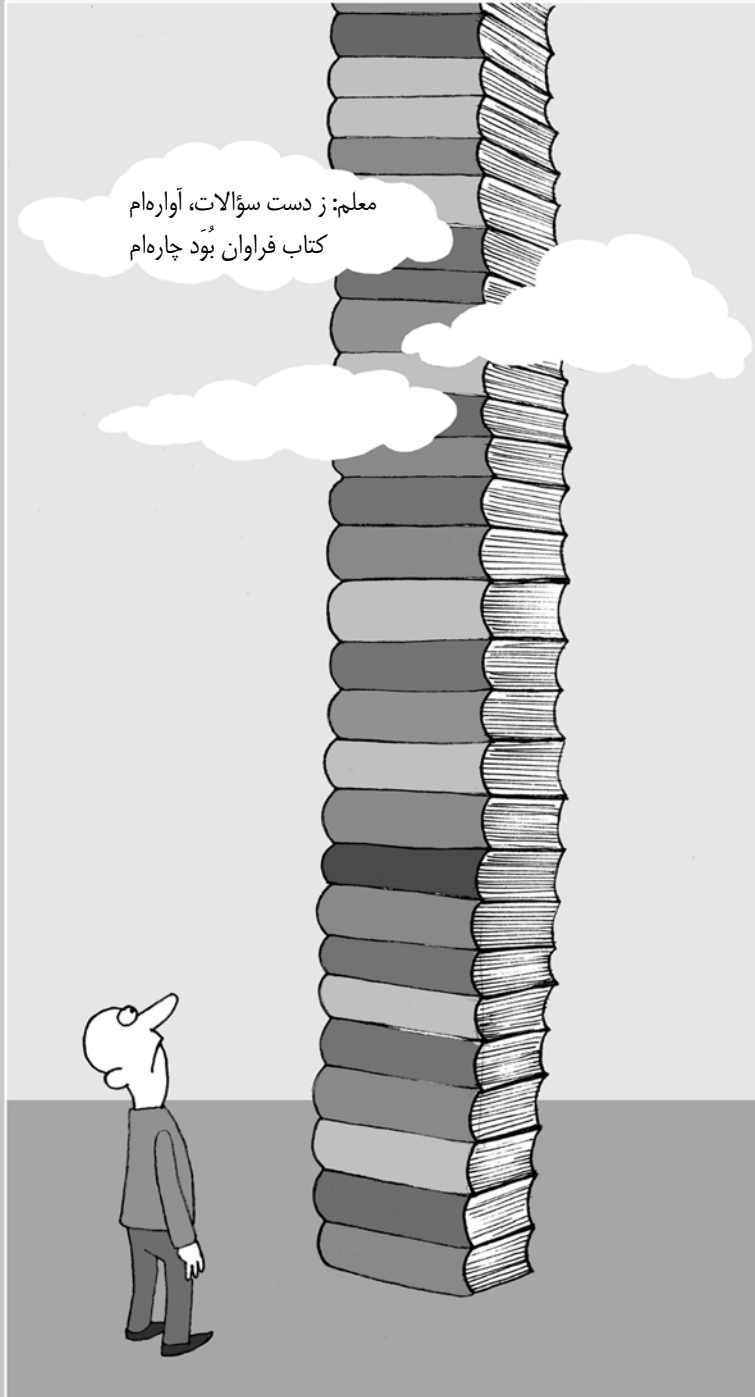


معلم: ز پرسش سیه شد جهان در برم
مگر به کتابی پناه آورم



معلم: ز موضوع پرسش چو آگه شدم
کتابی بیابم، کنون شه شدم





مرکز علوم و ستاره‌شناسی تهران

اشاره

اتحادیه بین‌المللی نجوم، سال میلادی ۲۰۰۹ را با شعار «جهان برای کشف از آن تو» به عنوان «سال جهانی نجوم» برگزیده است. سال جهانی نجوم (۲۰۰۹ میلادی) یادبودی از چهارصدمین سالگرد نخستین مشاهده‌ی نجومی به وسیله‌ی تلسکوپ است که گالیله انجام داده است.

«رشد آموزش راهنمایی تحصیلی» نیز تصمیم گرفت به مناسبت سال جهانی نجوم، مرکز علوم و ستاره‌شناسی تهران را معرفی کند.

این مرکز در یکی از بهترین مناطق شهر تهران، در باغ بزرگ و زیبایی به وسعت شش هزار مترمربع قرار دارد. مرکز با سه هزار مترمربع زیربنا، با هدف آشنایی دانش‌آموزان، دانشجویان، دانش پژوهان و عموم مردم با علوم پایه و ستاره‌شناسی به صورت عملی، در دو طبقه و در محیطی زیبا و جذاب به خصوص برای دانش‌آموزان طراحی و احداث شده است.



آشنایی با مرکز

وی می‌افزاید: «پشتوانه‌ی علمی این مرکز، اعضای هیئت علمی و استادان بزرگوار دانشگاه‌های تهران در رشته‌های علوم پایه و ستاره‌شناسی هستند که به صورت پیوسته، مرکز را از راهنمایی‌ها و مشاوره‌های علمی خود بهره‌مند می‌سازند.»

بزرگ‌ترین تلسکوپ عمومی شهر

مدیر مرکز علوم و ستاره‌شناسی تهران در ادامه می‌گوید: «بزرگ‌ترین تلسکوپ عمومی شهر و تلسکوپ ۱۲ اینچ با قدرت عکس‌برداری بسیار بالا، در این مرکز قرار دارد که توان رصد روزانه‌ی خورشید و رصد شبانه‌ی همه‌ی پدیده‌های قابل رؤیت در آسمان شهرمان را داراست.» وی اضافه می‌کند: «امکاناتی فراهم شده است تا افراد

به همراه سردبیر و اعظم لاریجانی، عکاس مجله، به این مرکز سری می‌زنیم تا از نزدیک گزارشی از مرکز علوم و ستاره‌شناسی تهران، به شما مخاطبان عزیز تقدیم کنیم.

در ابتدای ورودمان به این مرکز، به اتاق سیداحمد علوی، مدیر مرکز علوم و ستاره‌شناسی تهران می‌رویم و با وی به گفت‌وگو می‌نشینیم.

علوی در ابتدای صحبت خود به تاریخ و چگونگی تأسیس این مرکز اشاره می‌کند و می‌گوید: «این مرکز را سازمان زیباسازی شهر تهران، با پشتوانه‌ی علمی مهندس احمد دالکی، بنیان‌گذار و پدر علم نجوم آماتوری ایران، در سال ۱۳۷۹ تأسیس کرده است و در حال حاضر به معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه یک تهران وابسته است.»



تالار کهکشان، ساعت آفتابی و رصدخانه است. در تالار کهکشان، بازدیدکنندگان در مکانی خیال انگیز، با صور فلکی آسمان، ستارگان، سیارات و دیگر اجرام سماوی به صورت سمعی و بصری آشنا می‌شوند.

وی می‌افزاید: «در سالن ترازوها، انسان می‌تواند وزن خود را در زمین، ماه، مریخ، مشتری و خورشید اندازه بگیرد.»

یعقوبی در ادامه می‌گوید: «رصدخانه‌ی مرکز، با گنبدی به تلسکوپ ۱۲ اینچ بازتابی مدل «MEADE LX200EM» مجهز است که قابلیت اتصال به رایانه، تصویربرداری و عکس‌برداری با دو نوع CCD پیشرفته‌ی نجومی را داراست.»



عکاس: اعظم لاریجانی

وی می‌افزاید: «علاوه بر تلسکوپ رصدخانه، چهار تلسکوپ ۴/۵ و ۱۰ اینچی قابل حمل و دوربین دوچشمی برای رصدهای خارج شهر نیز در این‌جا موجود است.»

● مجموعه‌ی شیمی، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی و هواشناسی

بخشی از امکانات این مجموعه، آزمایش کیمیاگری اسلامی و مدرن، مدل DNA قفسه‌ی سنگ‌ها و جعبه‌ی اسکرین است.

برنامه‌های مرکز

رصدهای روزانه و شبانه، برگزاری رصد پدیده‌های خاص، مراسم نجومی، پخش اسلاید و فیلم، برگزاری

در رده‌های متفاوت تحصیلی، با مفاهیم علوم پایه آشنا شوند و از نزدیک ابزار را لمس کنند؛ مفاهیم علمی مثل: ستاره‌شناسی، فیزیک، شیمی، ریاضی و زیست‌شناسی. در این‌جا دو کارگاه داریم: کارگاه‌های خلاقیت و مکانیک، و دو تالار: تالارهای تفکر و ترازوها، البته تالار آسمان‌نما یا کهکشان راه شیری مرکز نیز تالاری منحصر به فرد در کشور است که آقایان دکتر تاجبخش و مهندس دالکی آن را طراحی کرده‌اند.»

بخش‌های مرکز

با راهنمایی خانم یعقوبی، مدیر روابط عمومی، و خانم زهرا مبینی، مدیر بخش علمی و رصدخانه‌ی مرکز، بازدیدمان را شروع می‌کنیم. ابتدا وارد بخش فیزیک می‌شویم.

● بخش فیزیک

خانم مبینی که دانشجوی دوره‌ی دکترای فیزیک نیز است، توضیحات خود را درباره‌ی بخش فیزیک مرکز چنین آغاز می‌کند: «در این مجموعه، بیش از ۴۰ آزمایش فیزیک در زمینه‌های مکانیک، نور، صوت، الکتروسیسته و... طراحی شده‌اند که به صورت عملی قابل استفاده‌اند. از جمله آزمایش‌های بخش مکانیک می‌توان به صندلی چرخان، ژيروسکوپ‌ها و ترن هوایی اشاره کرد که توصیف‌کننده‌ی لختی دورانی و پایداری انرژی هستند.»

خانم مبینی در ادامه می‌گوید: «در بخش نور، با انواع آینه، عدسی، منشور و قوانین مربوط به آن‌ها آشنا می‌شوید. در اتاق تاریک، آزمایش‌هایی با لیزر طراحی شده‌اند که به عنوان نمونه می‌توان هولوگرافی و تداخل سنجی مایکسون-مورلی را نام برد. در بخش صوت، آزمون صوت و خلأ، اتاق بدون پژواک و آزمون سرعت صوت، آزمایش‌های این قسمت را تشکیل می‌دهند.»

● تالار تفکر

در این مجموعه، بازدیدکنندگان در همه‌ی رده‌های سنی، با حل معماهای متنوع، خلاقیت ذهن خود را می‌آزمایند. فضاهای غیرمعمول و اشیای خاص، شما را به اندیشیدن وامی‌دارد. بیش از ۱۲ دستگاه در این‌جا وجود دارد؛ از جمله: برج برهما و بند در بند.

● مجموعه‌ی ستاره‌شناسی

خانم یعقوبی، مدیر روابط عمومی مرکز، درباره‌ی مجموعه‌ی ستاره‌شناسی می‌گوید: «این مجموعه شامل

همایش‌های نجومی، نمایشگاه عکس و مسابقات نجومی، از جمله فعالیت‌های مجموعه‌ی ستاره‌شناسی هستند.

● دوره‌های آموزش مرکز علوم

به گفته‌ی سیداحمد علوی، کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی نجوم برای گروه سنی کودکان، جوانان و بزرگسالان، در سطوح مقدماتی و پیشرفته برگزار می‌شود. از جمله دوره‌های پیشرفته می‌توان به کیهان‌شناسی، اختر فیزیک و آمادگی المپید نجوم اشاره کرد.

دوره‌های آموزشی دیگر مرکز، عبارت‌اند از: کارگاه رباتیک، کارگاه پژوهشی هوافضا، و کارگاه خلاقیت. از دیگر فعالیت‌های آموزشی مرکز علوم می‌توان به برگزاری کارگاه‌های یک یا چند روزه (به صورت تخصصی و عمومی)



نحوه‌ی بازدید از مرکز

علوی می‌گوید: «بازدید از مرکز علوم و ستاره‌شناسی تهران برای عموم آزاد است و عموم مردم می‌توانند هر روز از ساعت ۸/۳۰ دقیقه‌ی صبح تا ۴ بعدازظهر، از مرکز بازدید کنند.»

وی می‌افزاید: «روزهای سه‌شنبه و پنج‌شنبه‌ی هر هفته، از ساعت ۸ شب، رصد عمومی شبانه در این مرکز انجام می‌شود.»

مدیر مرکز علوم و ستاره‌شناسی تهران، هزینه‌های بازدید از مرکز را برای هر نفر پنج هزار ریال اعلام می‌کند و می‌گوید: «هزینه‌ی رصدهای شبانه برای هر نفر بیست هزار ریال است که اگر مدارس و مراکز آموزش عالی بخواهند به صورت گروهی بازدید کنند و رصدهای شبانه داشته باشند، به آن‌ها تخفیف داده می‌شود.»

وی در ادامه می‌گوید: «در تابستان، فضا برای بازدید شهرستانی‌ها از این مرکز فراهم‌تر است و دانش‌آموزان و دانشجویان شهرستانی می‌توانند به صورت گروهی، البته با رزرو کردن زمان بازدید، از این مرکز دیدن کنند و از تخفیف بسیار زیادی که به آن‌ها داده می‌شود نیز استفاده کنند.»

آقای علوی، با بیان این که ما آمادگی داریم دوره‌های آموزشی این مرکز را در مدارس و دانشگاه‌ها برگزار کنیم، می‌افزاید: «در حال حاضر، روزانه ۴۰۰ نفر از این مرکز بازدید می‌کنند.»

وی در پایان می‌گوید: «متقاضیان استفاده از امکانات این مرکز در حال حاضر می‌توانند از طریق سایت شهرداری منطقه‌ی یک تهران و تماس با شماره تلفن‌های مرکز (۲۲۸۰۵۰۰۶ و ۲۲۲۹۳۲۸۰) هماهنگی‌های لازم را به عمل آورند. نشانی اینترنتی مرکز، www.sact.tehran.ir می‌باشد.»



در داخل و خارج از مرکز، برگزاری دوره‌های آموزشی در واحدهای آموزشی خارج از مرکز و... نیز اشاره کرد.

● برگزاری سمینارها و گشت‌های علمی

از جمله فعالیت‌های جنبی مرکز علوم و ستاره‌شناسی تهران، برگزاری سمینارهای دانش‌آموزی و دانشجویی در خصوص موضوعات گوناگون علمی، به‌ویژه نجوم، بزرگداشت مقام استادان و دانشمندان (ملاصدرا، ابوریحان بیرونی و...) نکوداشت مقام اندیشمندان معاصر و برگزاری جلسات علمی است.

شما در روایتی با این مسئله چه می‌کنید؟ چرا؟

«امن» تفسیر

از من

نیکو منفرد

من: با یک فریاد آن‌ها را سرچای‌شان می‌نشانم.

من: به دفتر برمی‌گردم و همراه ناظم مدرسه به کلاس می‌آیم.

عکاس: رضا بهرامی

پیش‌نویس

من: با شلوغی و هیجان آن‌ها با موضوع درس همراه می‌شوم.

من: دقایقی با سکوت رویدادی آن‌ها می‌انگیزم و نگاه‌شان می‌کنم تا مرتب شوند.

● با انتخاب یکی از گزینه‌ها و یا طرح پاسخ خود با ذکر دلیل، نظر‌تان را به دفتر مجله ارسال کنید.

سه رفتار ممنوعه!

از واقعیت‌های مسلم
زندگی ما آدم‌ها، «اشتباه کردن»
است. رفتاری که در عین درد و
رنجشی که ایجاد می‌کند، نحوه‌ی
تعامل با آن انسان‌ساز است. ابتدا لازم
است بر سر معنای، اشتباه کردن مفاهیمی
با هم داشته باشیم.

اول این که اشتباه جزء لاینفک وجود ما انسان‌هاست. با
وجود همه‌ی سعی و دقتمان، باز هم اشتباه می‌کنیم. پس حذف اشتباه، امری
است غیرممکن و بنابراین باید یاد بگیریم چگونه با آن زندگی کنیم.
دوم، خیلی اوقات اشتباه در اثر ناآشنایی با موقعیت یا نداشتن تجربه‌ی کافی در رویارویی با یک
موضوع، یا کمی مهارت در کنترل مسئله‌ای و... پیش می‌آید. به زبان ساده‌تر، فرد قصد انجام آن
را نداشته، بلکه شرایط به گونه‌ای جلو رفته که اشتباه اتفاق افتاده است. طبیعی است، هر قدر فرد
جوان‌تر و کم تجربه‌تر باشد، امکان بروز اشتباه بیشتر است.
سوم این که در بسیاری از موارد، امکان جبران اشتباه وجود دارد و در مواردی هم اشتباه
جبران‌پذیر نیست. در مواردی که امکان رفع آن وجود ندارد، کمترین توصیه عذرخواهی است و
زیباترین پاسخ بخشش. در بسیاری از موارد، این بخشش متوجه خود فرد است. یعنی یاد بگیریم که
خودمان را ببخشیم. از اشتباه خود در گذریم. این قدر نسبت به خود سخت‌گیر و بی‌رحم نباشیم. قدری
با خود مهربان‌تر، قدری با خود منصف‌تر.
و آخر این که، گاهی اشتباهات به مثابه دام بلا یا جام بلاست. افراد را به درد و رنج مبتلا می‌کند؛
ابتلائی که اگر درست هدایت شود، افراد را پخته‌تر می‌کند. اگر اشتباه و رفع و جبران و یا پذیرش آن
به درستی صورت گیرد، خود وسیله‌ای ارزشمند در جهت رشد و تعالی است. اصلاً آدم‌شدن «حضرت
آدم» هم در پی اشتباهاتش رخ داد!

هر که در این بزم مقرب‌تر است جام بلا بیشترش می‌دهند
با این مقدمه، مایلیم به رفتارهایی بپردازم که ظاهراً برای رفع یا کنترل اشتباه صورت می‌گیرند، اما
خود از اساس خطا هستند؛ رفتارهایی که چنان در خزانه‌ی رفتاری و فرهنگ عمومی مان وارد شده‌اند
که ضربات و آفاتشان دیده نمی‌شود؛ رفتارهایی که ناخواسته در میان والدین و اولیای تربیتی و معلمان
و راستش در همه‌ی سطوح اجتماع، مشاهده می‌شوند، رفتارهایی که باید در حوزه‌ی ممنوعه و در خط
قرمز قرار گیرند. با این رفتارها آشنا شویم و اگر در کلام و عملمان است، آن‌ها را کنار بگذاریم.

مقایسه کردن

یکی از شایع‌ترین رفتارها مقایسه کردن است. در بسیاری از موارد، قصد معلم از مقایسه‌ی
دانش‌آموز با فرد دیگر، توجه دادن او به صفات مثبت فرد برتر است. می‌خواهد بگوید، به صفات خوب
این فرد نگاه کن و مثل او شو!

مثلاً می‌گوید: «تو چرا
نمی‌تونی مثل بقیه‌ی بچه‌ها
باشی! به نگاهی به دور و برت
بنداز، همین بغل دستیت، چه‌قدر
کاراشو با نظم و دقت انجام میده، ببین
به دفته شده مته تو این جوری ...»

گاهی اوقات لحن ملایم‌تر و ظاهراً جملات
نرم‌تر است، ولی عمل همان مقایسه است. مثلاً خطاب به

دانش‌آموزی که عملکرد خوبی در امتحان نداشته است، می‌گوید: «ببین

خانم‌جون، اگه این‌طور پیش بری، عاقبت خوبی در انتظارت نیست، هم کلاسیت خانم فلانی رو
ببین، چه‌قدر مرتب و خوب تونست خودشو بالا بکشه، اون، نمونه‌ی خوبی از رشد و موفقیت، خوب
شما هم ازش یاد بگیر. شما هم می‌تونید مثل ایشان بشی. مگه شما چیت کمتره ...»

می‌توان تصویر این دانش‌آموز را در ذهن آورد که با سر افتاده، چشمانش به سمت هم‌کلاسی‌اش
می‌چرخد و ذهنش از افکاری متلاطم می‌شود که به او این پیام را می‌دهد که من نمی‌توانم مثل
او بشوم. اگر این مقایسه‌ها ادامه یابد، معمولاً فرد برتر به عنوان یک مصیبت، یک عامل سرکوفت
و یک عامل رضایت معلم، در نزد و ذهن دانش‌آموز ضعیف‌تر، نقش می‌بندد؛ تا جایی که می‌تواند
از این فرد متنفر شود.

از مقایسه باید پرهیز کرد. مقایسه کردن، بیش از آن که به فرد امکان تخمین فاصله‌ی خود را تا
مطلوب دهد، احساس ناکامی، عقب‌افتادگی و شکست را می‌دهد. یادمان نرود، همیشه در این دنیای
پهن‌آورد آدم‌هایی پیدا می‌شوند که از ما موفق‌تر، ثروتمندتر، با تحصیلات بهتر، موقعیت‌های شغلی برتر
و زیباترند. بنابراین، به بیرون نگرستن می‌تواند ما را مضطرب و ناکام سازد.

خب، پس راهش چیست؟ اگر خود را با بیرون نسنجیم، پس از کجا پی ببریم در کجا
ایستاده‌ایم؟ پاسخش این است: «خودتان را با خودتان مقایسه کنید.» یعنی عملکرد فعلی خود را
با عملکرد قبلی خود مقایسه کنید. عملکرد دانش‌آموزتان را با دفعه‌ی قبل او بسنجید. اگر این بار
در امتحانش نمره‌ی بهتری گرفته است، حتی اگر به میزان نیم نمره باشد، به او بگویید: «آفرین! نه
تنها نمره‌ات کم نشده، بلکه نیم نمره بیشتر شده. ۱۲ ات ۱۲/۵ شده. این نشان می‌دهد می‌توانی به
تدریج وضعت را بهتر کنی.»

اگر عملکرد پایین‌تری داشت، به او توجه دهید. مثلاً بگویید: «دفعه‌ی قبل شما ۱۴ گرفتید، اما به
نظر می‌رسد این بار نتوانستی خوب مطالعه کنی و متأسفانه نمره‌ات نسبت به دفعه‌ی قبل ۲ نمره کمتر
شده. بررسی کن، ببین کجای راه را اشتباه رفته‌ای تا در امتحان بعدی بتوانی نتایج‌ات را بهتر کنی.»

سرزنش و تحقیر

یکی دیگر از رفتارهای شایع، سرزنش و تحقیر است. خیلی اوقات فرد از اشتباهی که مرتکب
شده، خود پشیمان و افسرده حال است. زخم خورده‌ای است که به لحاظ عاطفی تحت فشار است.

از مقایسه باید
پرهیز کرد. مقایسه
کردن، بیش از
آن که به فرد
امکان تخمین
فاصله‌ی خود را
تا مطلوب دهد،
احساس ناکامی،
عقب‌افتادگی
و شکست را
می‌دهد

«در این میان، نیازمند فردی است که فقط برایش حرف بزند و فقط شنیده شود.»
نه نیاز به نصیحت دارد، نه نیازی به راه حل دارد، نه نیاز دارد کسی برایش بگوید کجا را اشتباه رفته است، تقریباً همه را خود می‌داند، بدترین

وضع در این حالت این است که کسی بخواهد اشتباهش را به رخ بکشد، سرزنش کند و سرکوفتش کند، بدترین جملات که هم‌چون پتک بر سرش کوبیده می‌شود، از این دست است:

«تقصیر خودت بود، اگر ...»

«من اگر جای تو بودم، ...»

«حققت بود، بلکه ...»

«چند دفعه بهت گفتم ...» و

سرزنش و تحقیر در کنار هم ظاهر می‌شوند. در این رفتارها، عزت‌نفس فرد خدشه‌دار می‌شود، ناخواسته حریم شخصی مورد تعرض قرار می‌گیرد و احساس آسیب می‌بیند.

در تربیت سالم، جایی برای محاکمه، بازپرسی، سرزنش و تحقیر وجود ندارد، باید به طور جدی زبان را در پرهیز از سرزنش و تحقیر، تمرین و ریاضت داد.

برچسب زدن

از دیگر خطاهای رایج در کلام و عمل اولیای تربیتی، «برچسب زدن» است. منظور از «برچسب زدن»، تعمیم‌دادن و نام‌گذاری و اطلاق صفت منفی روی رفتار مشخصی است که از کسی رخ نموده است. مثلاً دانش‌آموز به واسطه‌ی عدم انجام تکلیف، برچسب «تنبلی» می‌خورد، لقبی که معنای وسیع‌تری دارد و می‌تواند موقعیت‌های بی‌شماری را دربرگیرد.

سارا دانش‌آموزی سیزده ساله، نمره‌ی امتحان ریاضی‌اش را کم شده بود. خانم معلم گفت: «این بار چه عذر و بهانه‌ای داری؟» سارا توضیحاتش را داد. معلم گفت:

«یک کلمه از حرفاتو باور نمی‌کنم. همون بهونه‌های همیشگی، تو یه دختر کم استعداد و تنبلی، تنبلی مادرزادی داری ...»

اتفاق مهمی که در برچسب زدن می‌افتد، این است که اگر این برچسب توسط مراجع قدرت، یعنی افرادی

که در زندگی فرد مهم هستند، تکرار شود، فرد آرام آرام آن‌ها را می‌پذیرد. اگر به کرات آدم‌های مهم زندگی یک شخص، مثل پدر، مادر و معلم، لقبی را به فرد نسبت دهند، حتی القابی که به نظر پیش پا افتاده به نظر می‌رسند، بعد از مدتی فرد می‌پذیرد که آن‌ها درست می‌گویند. فاجعه این‌جاست که پس از مدتی، فرد نقش‌های آن برچسب را نیز می‌پذیرد و انجام می‌دهد و تبدیل به همان لقب می‌شود. بچه‌ای که مدام می‌شنود تنبل و بی‌مسئولیت است، این برچسب را می‌پذیرد و هر جا بر او ایرادی وارد می‌شود، نقش یک فرد غیرمسئول را ایفا می‌کند.

در تربیت، جایز نیست با دیدن یکی دو رفتار، از القاب و نام‌هایی برای تبیین آن رفتار استفاده شود. به جای قضاوت کردن و نامی را برای عمل گزیدن، می‌توان فقط رفتار مشاهده شده را گزارش داد. به جای گفتن «بی‌مسئولیت»، می‌توان گفت امروز بار چهارم است که شما تکالیفت را انجام نداده‌ای. به جای گفتن «خیال‌باف» می‌توان گفت، امروز دوبار سر کلاس متوجه شدم تمرکزت را از دست داده‌ای و به موضوع دیگری فکر می‌کردی. به جای «لاابالی» می‌توان گفت، بار سوم است که اخطار می‌دهم، ضوابط پوشش مدرسه را رعایت نمی‌کنی و... **مشاهده‌ی خود را انتقال دهید، نه قضاوت و ارزیابی تان را.**

در آخر دلم می‌خواهد این را بگویم. معلم قدرت مهبی دارد! آن را دست کم نگیریم. با آن‌چه می‌گوید، با تصویری که از دانش‌آموز برایش ترسیم می‌کند، می‌تواند بذره‌ای شک و تردید یا اعتماد و اطمینان را درباره‌ی سرنوشتش در ذهنش بکارَد. مقایسه‌ها، تحقیرها، سرزنش‌ها و برچسب‌ها، چه بسا به سرنوشت دانش‌آموز تبدیل شود.

میراث فرهنگی ایران

فاطمه محمودیان

اشاره

«رشد آموزش راهنمایی تحصیلی» تصمیم دارد، در هر شماره کتاب‌های مناسب را براساس موضوعات درسی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی به شما همکاران محترم معرفی کند.



○ عنوان: میراث فرهنگی ایرانیان به روایت موزه ملی ایران

○ مؤلف: زهره پریخ

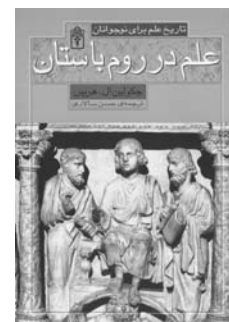
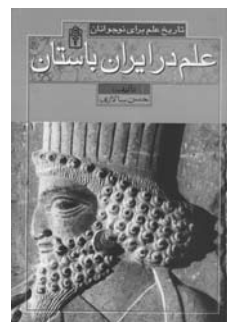
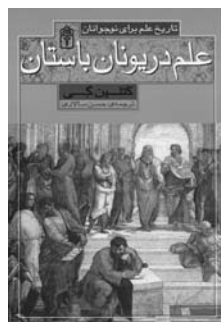
○ ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

(تلفن: ۸۹۶۴۱۱۵ و ۸۷۱۵۵۴۵-۹-۰۲۱)

چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷، ۲۳۴ ص. مصور رنگی، ۱۵۰۰۰ تومان

کندوکاو و جست‌وجو در تاریخ، مانند سفری به گذشته‌های دور و نزدیک است. این کتاب، تاریخ تمدن ایرانی را براساس آثار موجود در موزه‌ی ملی ایران، برای شما بازگو می‌کند. معلمان عزیز به همراه دانش‌آموزان خود، با مطالعه‌ی کتاب حاضر می‌توانند، به دیدار مردمی بروند که قرن‌ها در سرزمین پهناور ما زندگی کرده‌اند. همچنین با شیوه‌ی زندگی این مردم آشنا می‌شوند و آثار به جا مانده از آن‌ها را از نزدیک می‌بینند.

تاریخ علم برای نوجوانان



سرچشمه‌های علم را باید در کهن‌ترین تمدن‌های جهان جست‌وجو کرد. مجموعه‌ی «تاریخ علم برای نوجوانان» را انتشارات محراب قلم در سال ۱۳۸۷-۸۸ در هفت جلد، چاپ کرده است. مترجم این مجموعه حسن سالاری است.

علم در اسلام، علم در یونان باستان، علم در چین باستان، علم در روم باستان، علم در مصر باستان، علم در بین النهرین، علم در ایران باستان عنوان جلد‌های این مجموعه هستند. با ناشر این مجموعه می‌توان از طریق شماره تلفن‌های ۸۰-۸۷۹-۶۶۴۹۰۲۱ ارتباط برقرار کرد.

بدون مقدمه، این چند حکایت دیروزی و امروزی را که از این طرف و آن طرف کش رفته ایم، همراه با نتایج آن بخوانید!

احمد عربلو

تفسیر لبخند



قیامت و تعطیلی

معلم مکتب‌خانه، برای کودکان از حوادث روز قیامت سخن می‌گفت. ناگاه کودکی برخاست و پرسید:
- ای استاد! با این همه توصیفات، آیا در روز قیامت مکتب‌خانه‌ی ما هم تعطیل خواهد شد؟
نتیجه‌ی تاریخی: معلوم می‌شود، از زمان‌های خیلی خیلی دور هم کودکان عاشق درس و مدرسه بوده‌اند!

پرسش و پاسخ شعری!

آورده‌اند که شاگردی از استاد پرسید، در این بیت خواجه حافظ که می‌فرماید:
«کشتی شکستگانیم، ای باد شرطه برخیز
شاید که باز ببینیم، دیدار آشنا را»
آیا نشستگانیم صحیح است یا شکستگانیم؟
استاد فرمود:
بعضی نشسته خوانند، بعضی شکسته دانند
چون نیست خواجه حافظ، معذور دار ما را
نتیجه‌ی آموزشی: ای بابا! ولمان کن عمو. تو بخوان، بمیر و بخوان! چه فرقی می‌کند؟

استاد زبان انگلیسی

نقل است که روزی قوام‌الملک شیرازی، کنسول انگلیس را به مهمانی دعوت کرد. هنگام خوردن غذا و در کنار سفره، از آن‌جا که قوام اصلاً زبان انگلیسی بلد نبود، مدام با دست به پلو اشاره می‌کرد و به کنسول می‌گفت: «بکور، بکور!» یعنی بخور بخور!
کنسول هم که از اشاره‌ی او منظورش را متوجه شده بود، پلو را خورد و با علامت سر از قوام اظهار تشکر کرد. وقتی مهمانی تمام شد و کنسول رفت، نوکر متملق قوام پیش او دوید و گفت: «قربان! شما که این قدر خوب زبان انگلیسی می‌دانید، از این به بعد نیازی به مترجم ندارید!»
قوام آهی از ته دل کشید و با فخر و غرور گفت: «بله! ما این همه هنر داریم، اما افسوس که دولت قدر ما را نمی‌داند!»
نتیجه‌ی هنری: بسیاری از ما هنرهایی داریم که کسی از آن‌ها خبر ندارد!



کاتب بدشانس

کاتبی بدخط با کاتبی دیگر می‌گفت: «خط من به حدی ناخواناست که صد دینار از مشتری برای نوشتن بستانم و صد دینار دیگر نیز از مخاطب، برای خواندن!»
کاتب دیگر آهی کشید و گفت: «افسوس که من از صد دینار دوم محروم هستم، چرا که خود نیز از خواندن نوشته‌ی خویش معذورم!»
نتیجه‌ی والدینی: بعضی از پدر و مادرها بد خط هستند!



هوای پس!

می‌گویند: حیات خانم، همسر شاه اسماعیل صفوی بود و طبع شعری سرشار داشت. گویند او را رقیبی بود جهان بانو نام که او نیز دارای کمالات بود و در شعر نیز دست داشت. این دو همسر، اکثراً در حضور پادشاه به مناظره می‌پرداختند (چه رویایی!).

روزی شاه صفوی می‌خواست برود کشور عراق و شهر بغداد را از حکمران آن‌جا که ادعای استقلال کرده بود، بازستاند. جهان بانو به این مناسبت خدمت رسید و این شعر را خواند که:

تو پادشاه جهانی، «جهان» ز دست مده

که پادشاه جهان را «جهان» به کار آید!

حیات خانم که در آن مجلس حضور داشت، فوراً پیش دوید و فی‌البداهه این شعر را سرود:

ترک غم جهان بکن تا ز «حیات» بر خوری

هر که غم جهان خورد، کی ز حیات بر خورد

نتیجه‌ی اجتماعی: در این گرانی عجیب، «حیات» یا «جهان» پس است. اگر شود «یکی»، «دو تا» هوا پس است، هوا پس است!
نتیجه‌ی تذکری: خیال نکنید این حکایت ربطی به مخاطبان این مجله ندارد، دارد!

شاگرد شکمو!

یکی از ناظران نقل می‌کرد که در کوچی مدرسه، شاگردی را دیدم که زیر درِیچه‌ای ایستاده بود و در دستش پاره‌ای نان بود و هی لقمه از آن می‌کند و به درِیچه نزدیک می‌کرد و می‌خورد!

بنده، از آن حرکت متعجب شدم. خواستم خط‌کش بیرون بیاورم و از آن طفل، نقل این ماجرای عجیب را باز پرسم که ناگهان دیدم پدر طفل سر رسید و به او گفت: «ای کودک جان، این‌جا چه کار می‌کنی؟ مگر نمی‌خواهی به مدرسه بروی؟ زودتر برو تا گرفتار رفیقان ناباب نگردی و مرا بیچاره نکنی.»

طفل گفت: «از این خانه بوی طعام به مشام می‌رسد. من نان خود را به بوی آن آشنا می‌کنم و می‌خورم!»

ناگهان پدر سخت در غضب شد، سیلی محکمی به او زد و گفت: «ای نادان! تو چنان شده‌ای که بی‌خورش نمی‌توانی نان بخوری؛ آن هم صبحانه؟! آخر از این پس من چگونه از عهده‌ی تو پسرک شکمو برآیم!»

نتیجه‌ی حقوقی: حکایت جعلی است.

نتیجه‌ی عاشقانه: وصف العیش، نصف العیش!

نتیجه‌ی ناظرانه: آقای ناظم! توی همین مدرسه بتوانی دانش‌آموز را کنترل کنی، کافی است! می‌گذاشتی آن طفل معصوم هم یک روز صبحانه‌ای مفصل می‌خورد!

شهریه

آموزگاری را شنیدند (البته در زمان‌های خیلی خیلی دور!) که به شاگردی ریاضیات یاد می‌دهد و چیزهایی می‌گوید که نه خود از آن سر درمی‌آورد و نه شاگرد! او را گفتند: «مرد حسابی! این چه درسی است؟!»

گفت: «پدر این طفل، دستمزد هر ماه مرا به ماه دیگر می‌اندازد. من نیز او را از مسئله‌ای به مسئله‌ی دیگر می‌اندازم تا هم‌چنان که من چیزی حاصل نکرده‌ام، او نیز چیزی حاصل نکند!»

نتیجه‌ی اخلاقی: واقعاً که خدا به دور!

سهراب، شاعر بار

زندگی سهراب

اشاره
دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی با خواندن شعر «روشنی، من، گل، آب» در کتاب فارسی سوم، با سهراب سپهری آشنا می‌شوند و این جز آن است که سهراب یکی از مشهورترین و پرخواننده‌ترین شاعران امروز ایران است و بچه‌ها از همان سال‌های اول این دوره، کمابیش نامش را می‌شنوند و او را می‌شناسند.

سهراب یکی از شاخص‌ترین چهره‌های شعر نو و هم‌چون شاعرانی مثل مهدی اخوان ثالث، محمدرضا شفیعی کدکنی و طاهره صفارزاده و...، سبک ویژه‌ای دارد که او را از شاعران دیگر متفاوت می‌سازد. با این مقدمه، جا دارد چنین شاعری پیش از پیش مورد توجه قرار گیرد و اشعارش تجزیه و تحلیل شود. اما نخست ببینیم سهراب کیست؟

رشد آموزش
راهنمایی
تحصیلی

دیده می‌شود. سهراب در نقاشی‌هایش علاقه‌مندی خاصی به کشیدن مناظر و چشم‌اندازهای واحه‌ها و آبادی‌ها داشت. همین احساس در شعرهایش نیز به خوبی نمودار است:

ماه بالایی سر آبادی است
اهل آبادی در خواب

روی این مهتابی، خشت غربت را
می‌بوییم

باغ همسایه چراغش روشن
من چراغم خاموش

ماه تابیده به بشقاب خیار، به لب
کوزه‌ی آب.

سپهری نخستین کتاب خود را با نام «مرگ رنگ» در سال ۱۳۳۰ منتشر کرد که تجربه‌های اولیه‌ی او در سرودن بود و اشعارش حال و هوای شعرهای نیما یوشیج را داشت. خوش‌بختانه او در این مرحله متوقف نشد و شعرش به تدریج تحول و

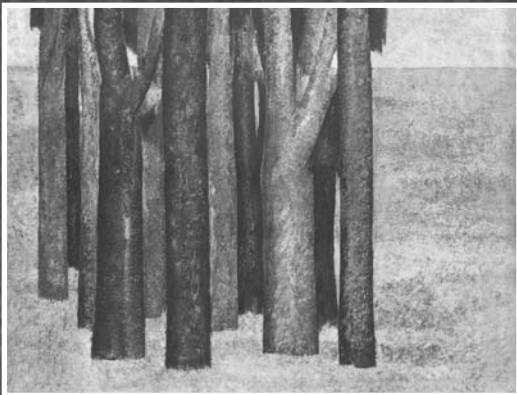
تکامل یافت. «زندگی خواب‌ها»، «آوار آفتاب»، «شرق اندوه»، «صدای پای آب»، «مسافر» و «حجم سبز» که بعداً همه به صورت یک جلد، با نام «هشت کتاب» درآمدند، نمودار این تحول و تکامل است.

سپهری در سال ۱۳۵۹، در پی ابتلا به بیماری سرطان، در سن ۵۲ سالگی درگذشت و به وصیت خودش، در صحن امامزاده سلطان علی، در ارده‌ال کاشان، به خاک سپرده شد.

شعر سهراب

درباره‌ی شعر سهراب سپهری چند نکته قابل توجه است:

یکی تخیل آزاد و جست‌وجوی رابطه‌ای منطقی و متعارف بین میان اشیا و مفاهیم به بیانی شاعرانه است. از این‌روست که سبک سهراب را با سبک هندی مقایسه کرده و به‌ویژه او



پاره‌هایی از چند شعر او را با هم می‌خوانیم:
مرا خواب کن زیر یک شاخه، دور از شب اصطکاک فلزات
و آن وقت

حکایت کن از بمب‌هایی که من خواب بودم و افتاد
حکایت کن از گونه‌هایی که من خواب بودم و تر شد
بگو چند مرغابی از روی دریا پریدند
در آن گیر و داری که چرخ زرده‌پوش از روی رؤیای کودک گذر داشت
قناری نخ زرد آواز خود را به پای چه احساس آرامشی بست؟

نیمه شب باید باشد
دب اکبر آن است: دو وجب بالاتر از بام
آسمان آبی نیست، روز آبی بود
یاد من باشد فردا، بروم باغ حسن گوجه و قیسی بخرم
یاد من باشد فردا لب سلخ، طرحی از بزها بردارم
طرحی از جاروها، سایه‌هایش در آب
یاد من باشد، هرچه پروانه که می‌افتد در آب، زود از آب درآرم
یاد من باشد کاری نکنم، که به قانون زمین بربخورد
یاد من باشد فردا لب جوی، حوله‌ام را هم با چوبه بشویم
یاد من باشد تنها هستیم.

از شعر غربت

سهراب از شعر،
زمان و مردم
خاصی صحبت
نمی‌کند. او از
انسان و زندگی
حرف می‌زند و
به همین دلیل
وسیع است



از تو می‌سراید: آب‌هایی که در عمق
خاک خشک این سرزمین پنهان‌اند. و
این آب با رنگ سبز آمیخته است و این
اتفاقی نیست که مجموعه‌ی زیباترین
اشعار او «حجم سبز» نام گرفته است.
سبز، رنگ نبوت محمدی و مظهر باروری
طبیعت است...»

فروغ فرخزاد نیز که خود با سهراب
ارتباط شعری و هنری داشت و در کارگاه
نقاشی او به مدت کوتاهی آموزش دید،
درباره‌ی شعر سهراب چنین نوشته است:
«سپهری با همه فرق دارد. دنیای
فکری و حسی او، برای من جالب‌ترین
دنیاهاست. او از شعر، زمان و مردم
خاصی صحبت نمی‌کند. او از انسان
و زندگی حرف می‌زند و به همین دلیل
وسیع است. در زمینه‌ی وزن راه خودش
را پیدا کرده است. اگر تمام نیروهایش
را فقط صرف شعر می‌کرد، آن وقت
می‌دیدید که به کجا خواهد رسید؟»

می‌شوند. مثالی در این مورد، قسمتی
از شعر «واحه‌ای در لحظه» است که
چند مصراع آن را روی سنگ قبرش
نوشته‌اند:

به سراغ من اگر می‌آیید
نرم و آهسته بیایید، مبدا که ترک
بردارد

چینی نازک تنهایی من.
در پایان، دو سخن کوتاه درباره‌ی
سهراب سپهری می‌آوریم که بعد از
مرگ او و در واقع در رثایش گفته شده
است. **داریوش شایگان** می‌نویسد:

می‌توان گفت که سهراب شاعر آب
است. اما نه آبی ساکن و راکد که مظهر
ژرفای ناآگاه است؛ بلکه آبی ساری و
شفاف: آبی که چون عنصر ازلی روح
را تطهیر می‌کند. آبی که کیمیای
دگرگونی‌هاست و در جویبارهای سرمست
باغ‌ها جاری است؛ انگار که شاعر، سرود
آناهیتا، حافظ جاودانی آب‌های ایران را

را با بیدل دهلوی، شاعر اواخر عصر
صفوی، در یک طراز قرار داده‌اند.
شادروان حسن حسینی در این زمینه
کتابی نوشته است به نام «سهراب
سپهری، بیدل و سبک هندی».

نکته‌ی دیگر در شعر سهراب،
تأثیرپذیری او از عرفان و مکتب‌های
شرق دور و گرایش او به عرفان بودایی
است. و همان‌طور که گفتیم، این امر
نتیجه‌ی سفرهای او به هند و ژاپن و
تأمل در مفاهیم و معانی مکتب‌های آن
نواحی جهان است.

و بالاخره سومین نکته، نحوه‌ی
بیان شاعرانه‌ی سهراب است که
مثل هیچ شاعر دیگری نیست شعر
سهراب. در عین حال که از بند ردیف
و قافیه آزاد است و در بعضی جاها به
نثر نزدیک می‌شود، اما کلمات طوری
انتخاب شده‌اند، که مجموعاً وقتی کنار
هم قرار می‌گیرند، آهنگین و دل‌نشین

زیرنویس

۱ و ۲. سهراب سپهری،
شاعر - نقاش، به کوشش
لیلی گلستان و... تهران:
انتشارات امیرکبیر، چاپ
چهارم ۱۳۶۸، ص ۳۹.

آبان ۸۸
شماره‌ی ۲
دوره‌ی ۱۵

مدرسهای جدید مبارک

اشاره

در شمارهی گذشته، با وبلاگ و کاربردهای آن آشنا شدید. همان طور که قبلاً اشاره کردیم، در این شماره گام به گام با روش ساخت وبلاگ آشنا خواهید شد. قبل از شروع، ذکر چند نکته لازم و ضروری به نظر می رسد:

اول آن که پیش فرض ما در این مقاله بر آن است که خوانندگان محترم با رایانه و نیز اینترنت آشنایی اولیه را دارند و حداقل به روش گشت و گذار در اینترنت مسلط هستند. ثانیاً از آن جا که مقولهی وبلاگها بسیار وسیع و متنوع است، ما به جهت آموزش، روش ساخت برخی از این وبلاگها را به شما معرفی می کنیم. این امر به معنای تأیید همه جانبهی شرکت های معرفی شده و یا رد سایر سرویس دهنده ها نیست.

ثالثاً در آموزش ساخت وبلاگ، روشی توضیح داده می شود که ممکن است در همه ی سرویس دهنده ها به آن شکل عمل نشود، اما خواهید دید که اگر روش ساخت وبلاگ را در یک سرویس دهنده فرا بگیرید، خودتان به راحتی می توانید در سایر سرویس دهنده ها هم به ساخت وبلاگ اقدام کنید.

کلیدواژه ها: وبلاگ، اینترنت، سرویس دهنده ها

علیرضا کاردانیپور

وبلاگ مجانی است یا پولی؟

شاید اولین سؤال و یا دغدغهای که در ذهن علاقه مندان به ساخت وبلاگ به وجود بیاید، این سؤال باشد که آیا برای ساخت یک وبلاگ در اینترنت، باید هزینه ای پرداخت کنیم؟ جواب این سؤال هم مثبت است و هم منفی. در دنیای اینترنت، این امکان وجود دارد که شما وبلاگ خود را به صورت رایگان بسازید. البته بیشترین علت اقبال و توجه کاربران به مقولهی وبلاگ، همین رایگان بودن سرویس های آن است! البته هستند کاربرانی که برخی از خصوصیات وبلاگ های رایگان را که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت، نمی پسندند و ترجیح می دهند برای ساخت وبلاگ هزینه هایی را متقبل شوند که به تفصیل به شرح آن خواهیم پرداخت.

وبلاگ مجانی!

در اینترنت، سرویس دهنده ها و یا به عبارتی سایت هایی وجود دارند که شما می توانید به رایگان و با استفاده از امکانات آنها برای خودتان وبلاگ بسازید و بدون آن که هیچ هزینه ای بپردازید، به صورت روزانه مطالب جدید خود را

به وبلاگتان اضافه کنید. شاید این سؤال به ذهنتان متبادر شود که سرویس هایی که در اختیار شما قرار می گیرد، به چه دلیل رایگان است و یا به عبارت دیگر، شرکت سرویس دهنده چگونه هزینه های خود را تأمین می کند؟

یافتن پاسخ این سؤال چندان مشکل نیست، کافی است به سایت یکی از این سرویس دهنده ها مراجعه کنید و یا بعضی از وبلاگ های دیگران را مشاهده کنید. خواهید دید، تبلیغات اطراف صفحات سایت، مهم ترین منبع درآمد وبلاگها هستند و البته برخی از این سرویس دهنده ها از حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی ارگان ها و نهادهای دولتی و غیردولتی نیز برخوردارند.

وبلاگ بسازیم

حالا می خواهیم یک وبلاگ بسازیم. همان طور که قبلاً هم اشاره شد، شما به آشنایی با زبان های برنامه نویسی رایانه هیچ نیازی ندارید. کافی است کمی تایپ کردن و کلیک کردن بلد باشید!

قدم اول، انتخاب شرکت و یا به عبارتی سایت سرویس دهنده است. در اینترنت، صدها سایت سرویس دهنده برای



وبلاگهای به روز شده

- همراه با دکتر محمود احمدی ...
- دانشود رایگان (جمید)
- جهانیت و کمک به بیماران ...
- دانشود رایگان (جمید)
- سوزوار خبر
- بدو بیا تو ... سرگرمی ...
- shahrenaz
- به وبلاگ مسیح خوش آمدید
- دانشود رایگان (جمید)
- ناره های علم و فن آوری
- اینجا زندگی ست
- یک مقام مطلع
- سکوت من
- همایع غنایی
- باز مانده
- بارانی ام جیسم فکن از درد ...
- کلیه دل من
- سایه
- ماجرایهای شانا
- تنهایی من

اخبار پرشین بلاگ

- نامنه وبلاگی به پندر
- برگزاری مسابقه شب آرزو ها
- رسالت وبلاگنویسان : روشنگری و دعوت به آرامش و نفعی خشونت
- گزارش تصویری جشن پرشین بلاگ _ سبز چهارم
- در پاسخ به اعتراضی تکبازد از وبلاگ نویسان
- آرشیو اخبار

امکانات پرشین بلاگ

- پرشین بلاگ امکان ایجاد یک وبلاگ فارسی رایگان را برای شما فراهم میکند تا خاطرات، مطالب مورد علاقه و مقالات خود را بر روی وبلاگتان منتشر نمایید.
- دسته بندی مطالب با استفاده از کلمات کلیدی (تگ)
- ارسال مطلب در وبلاگتان از طریق برنامه ورد ۲۰۰۷ و لایو رایت
- سفارشی کردن قالب بدون دستکاری در کد قالب
- ارسال نظر بر روی یادداشت ها، به صورت خصوصی و عمومی
- امکان رمزگذاری بر روی یادداشت های وبلاگ
- ایجاد وبلاگ گروهی با دسترسی های مدیریتی مختلف
- امکان راه اندازی مجله الکترونیکی روی سایت شخصی
- و چندین قابلیت منحصر به فرد دیگر ...

تصویر ۱

ورود به سایت

شناسه کاربری:

کلمه عبور:

☐ مرا به خاطر بسپار

[رمز عبور را فراموش کرده ام] [ثبت نام در پرشین بلاگ]

راهنما

با انتخاب گزینه "مرا به خاطر بسپار" از این پس صفحه را نخواهید دید ، و سیستم شما را با مشخصات فوق خواهد شناخت.

دسته بندی مطالب آموزشی

- اخبار پرشین بلاگ
- روایت عمومی پرشین بلاگ
- آشنایی با وبلاگ
- آموزش های وبلاگی
- آموزش های حرفه ای
- امکانات جدید سایت
- گزارش تخلفات وبلاگ ها
- قالب های پرشین بلاگ

تصویر ۲

عضویت در پرشین بلاگ

* نام کاربری (username):

آیا شناسه فوق آزاد است؟ ☐

* کلمه عبور (password):

* تکرار کلمه عبور:

نام و نام خانوادگی:

* آدرس ایمیل خصوصی:

سوال امنیتی:

پاسخ:

* کد امنیتی:

* توافقیامه: ☐ توافقیامه پرشین بلاگ را می پذیرم.

راهنما

با عضویت در سایت پرشین بلاگ، شما قادر خواهید بود تا یک یا چند وبلاگ ایجاد و مدیریت نمایید.

تصویر ۳

ساخت وبلاگ وجود دارد که برخی از آن‌ها نیز ایرانی هستند. شما در انتخاب شرکت سرویس دهنده مختارید، اما توصیه می کنیم به دلایل زیر، از سرویس‌های ایرانی استفاده کنید:

۱. استفاده از این سایت‌ها تأییدی بر تلاش متخصصان ایرانی است؛

۲. زبان محاوره‌ای این سایت‌ها فارسی است و شما خصوصاً الان که در ابتدای راه هستید، به راحتی می‌توانید با آن‌ها ارتباط برقرار کنید.

۳. سرویس دهنده‌های ایرانی، امکاناتی را در اختیار شما قرار می‌دهند که در نمونه‌های خارجی آن کمتر یافت می‌شود، مثلاً پشتیبانی از فونت فارسی و یا تقویم شمسی و...

ما در این‌جا به‌عنوان نمونه، سرویس‌دهنده‌ی پرشین‌بلاگ را برای آموزش انتخاب کرده‌ایم و مراحل ساخت وبلاگ را براساس منوها و دستورالعمل‌های این سرویس‌دهنده شرح خواهیم داد. برای دسترسی به این سرویس دهنده می‌توانید از نشانی اینترنتی www.persia-blog.ir استفاده کنید (تصویر ۱).

بعد از انتخاب شرکت سرویس دهنده، تا ساخت نهایی وبلاگتان چند دقیقه بیشتر فاصله ندارید. اگر کمی در تایپ سرعت داشته باشید، در کمتر از سه دقیقه می‌توانید صاحب یک وبلاگ شوید. از این پس، مراحل ساخت وبلاگ معمولاً سه بخش دارد:

۱. معرفی خود به سرویس‌دهنده؛
۲. معرفی مشخصات کلی وبلاگ یا وبلاگ‌های مورد نظر؛
۳. انتخاب شکل و قالب کلی وبلاگ.

معرفی مالک وبلاگ

در همه‌ی سرویس دهنده‌ها، ابتدا مشخصات کلی شما به‌عنوان مالک دریافت می‌شود و سپس به شما اجازه‌ی ساخت وبلاگ داده می‌شود. هرچند که اگر شما تمایلی به ارائه‌ی اطلاعات حقیقی خود نداشته باشید، می‌توانید با مشخصات مجازی و غیرواقعی این کار را انجام دهید. البته به شما توصیه می‌کنیم، برای آن‌که مالکیت معنوی شما بر وبلاگ محفوظ بماند، از همان ابتدا با مشخصات واقعی به ثبت وبلاگ اقدام کنید.

در سایت پرشین بلاگ، بخشی وجود دارد به نام «ایجاد وبلاگ» (Creat Weblog)، با زدن این کلید، از

شما نام کاربری و رمز درخواست می‌شود (تصویر ۲). اما به‌طور طبیعی، چون شما بار اولی است که به سایت مراجعه کرده‌اید، نام کاربری و رمز عبور ندارید. بنابراین گزینه‌ی ثبت‌نام در پرشین بلاگ را انتخاب کنید.

در منوی جدید، باید موارد خواسته شده را به ترتیب وارد کنید. البته وارد کردن اطلاعات مواردی الزامی است که کنار آن‌ها علامت ستاره‌ی قرمز دیده می‌شود و وارد کردن سایر اطلاعات اختیاری است (تصویر ۳).

۱. در قسمت نام کاربری (username) که شما با آن در این سایت شناخته می‌شوید، نام مورد نظر خود را وارد کنید. این نام مانند شماره حساب بانکی است که در بانکی خاص به شما اختصاص دارد و شماره‌ی شبیه به آن وجود ندارد. می‌توانید نام فامیلی خود یا هر نام دیگری را به‌عنوان نام کاربری برای خود انتخاب کنید. البته به شرطی این نام به شما اختصاص می‌یابد که کسی قبل از شما آن را برای خود انتخاب نکرده باشد. برای کنترل این موضوع، کافی است بعد از وارد کردن نام مورد نظر، گزینه‌ی «آیا شناسه‌ی فوق آزاد است؟» را انتخاب کنید. اگر قبلاً کسی این نام را انتخاب کرده باشد، شما ناگزیر به انتخاب نام دیگری هستید.

۲. در کادر کلمه‌ی عبور (password) می‌توانید با وارد کردن رمز، به سیستم وارد شوید. این رمز مانند رمز کارت‌های بانکی است که شما علاوه بر داشتن کارت بانکی، باید شماره‌ی رمز آن را نیز داشته باشید تا به حسابتان دسترسی پیدا کنید. در این سایت نیز ارائه‌ی کلمه‌ی عبور شرط دسترسی به اطلاعات است. اگر رمز ورود طولانی باشد، مثلاً ۱۰ الی ۱۵ کاراکتر و ترکیبی از اعداد و حروف، امنیت بیشتری را فراهم می‌کند. از آن‌جا که در هنگام وارد کردن رمز، به خاطر ایجاد امنیت بیشتر، به‌جای نمایش کاراکترها، دایره نشان داده می‌شود، لذا لازم است برای اطمینان بیشتر، دوباره رمز عبور را وارد کنید.

۳. در بخش بعدی، باید نام و نام خانوادگی خود را وارد کنید که البته این کار اجباری نیست.

۴. آدرس ای‌میل خصوصی، گزینه‌ی بعدی است که شما باید نشانی پست الکترونیکی یا همان ایمیل خودتان را مقابل آن وارد کنید.

۵. سؤال امنیتی بخش بعدی است. معمولاً در سایت‌های گوناگون از شما خواسته می‌شود سؤالی را به عنوان سؤال امنیتی وارد و جواب آن را نیز مشخص کنید. کاربرد این

تیتیر ویلاگ: FA

آدرس ویلاگ: http://persianblog.ir

آیا نام فوق آزاد است؟

انصراف ایجاد ویلاگ

راهنما

در این صفحه می‌توانید یک ویلاگ جدید تحت نام کاربری ای که با آن وارد سایت شده اید ایجاد کنید. تیتیر ویلاگ می‌تواند فارسی و یا انگلیسی باشد. اما آدرس ویلاگ حتماً باید با حروف انگلیسی باشد و استفاده از کاراکتر underLine و فاصله نیز در آن مجاز نمی باشد.

پس از نوشتن آدرس ویلاگ، با زدن لینک زیر آن می‌توانید قبل از فشردن دکمه ایجاد ویلاگ، از آزاد بودن این آدرس برای ویلاگ خود مطمئن شوید.

تصویر ۴

ارسال یادداشت جدید

عنوان مطلب:

FA

FA B I U ABC

فام اندازه فام

Path:

ذخیره خودکار پیش‌نویس: [فصل] وضعیت: ذخیره نشده

ارسال به جشواره اصلاح الگوی مصرف (دیاره مسافه)

کلمات کلیدی:

درج ادامه مطلب

نمایش جزئیات

نحوه مشاهده این یادداشت: آزاد برای همه

مقایست شده توسط رمز عبور

پیش نویس انتشار

ویلاگ جاری

moradabad

نمایش ویلاگ

آمار ویلاگ

صفحه مدیریت مرکزی

خروج از بخش مدیریت

مدیریت مطلب

ارسال مطلب جدید

مدیریت مطلب موجود

ایجاد صفحه جدید

مدیریت صفحات موجود

آخرین نظرات خوانندگان

ظاهر ویلاگ

انتخاب قالب جدید

تظیمات عمومی ویلاگ

سفارشی کردن قالب

ویرایش کد قالب

کدهای اختصاصی کاربر

تنظیمات ویلاگ

مدیریت لینک دوستان

مدیریت نویسندگان

مدیریت کلمات کلیدی

اتصال ویلاگ به دامین شخصی

صور مطلب

تظیمات پیامک بلاگ

تظیمات نمایشگر فید

دریافت نسخه پشتیبان ویلاگ

تصویر ۵

**شما به آشنایی با
زبان‌های برنامه‌نویسی
رایانه هیچ نیازی ندارید.
کافی است کمی تایپ
کردن و کلیک کردن بلد
باشید!**

پسوند نام وبلاگ شما قرار گرفته، همان نکته‌ای است که برخی از کاربران بدان تمایل ندارند و ترجیح می‌دهند برای وبلاگشان نامی مستقل داشته باشند. در این صورت، باید برای در اختیار گرفتن نشانی ویژه (دامنه)^۱ مقداری هزینه کنند

نکته‌ی دوم در مورد آدرس وبلاگ این است که نباید نشانی انتخابی شما را قبلاً کسی برای وبلاگ خود انتخاب کرده باشد. به عبارت دیگر، نباید نشانی شما تکراری باشد؛ همان‌طور که برای دو خانه نمی‌تواند یک نشانی پستی واحد وجود داشته باشد. با وارد کردن این دو گزینه و زدن کلید ایجاد وبلاگ، مرحله‌ی دوم ثبت وبلاگ به پایان می‌رسد.

انتخاب شکل و قالب کلی وبلاگ

بعد از ساختن وبلاگ، نوبت به انتخاب شکل و قالب وبلاگ می‌رسد که منظور از آن، شکل نمایش نوشته‌ها و رنگ آن‌ها، شکل و طرح نمای صفحات وبلاگ، اندازه و شکل و رنگ کلیدهای وبلاگ و... است. افرادی که به کدنویسی آشنایی دارند، می‌توانند خودشان قالب مورد نظر را طراحی کنند، البته شرکت سرویس دهنده هم چندین قالب نمونه را در اختیار کاربر قرار می‌دهد. افراد تازه‌کار می‌توانند بر حسب علاقه و سلیقه‌ی خود، یکی از آن‌ها را انتخاب کنند. البته بعد از آن که به کار با وبلاگ‌ها مسلط شدید، می‌توانید از قالب‌های استفاده شده در سایر وبلاگ‌ها نیز استفاده و آن را به وبلاگ خود اضافه کنید.

مدرسه‌ی جدید مبارک!

با انجام سه مرحله‌ی فوق، شما صاحب یک مدرسه‌ی جدید شده‌اید. می‌توانید با تدبیر و مدیریت آن را به مدرسه‌ای فعال و پویا تبدیل کنید و با ارائه‌ی مطالب جذاب و آموزنده، کاری کنید که حتی روزهای جمعه و نیمه شب‌ها هم اطفال گریزپای به مکتب شما مراجعه کنند (تصویر ۵).

در پایان این قسمت، ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که کار مهم‌تر از ساخت وبلاگ، افزودن مطلب و به روز نگه‌داشتن آن است. در قسمت بعد، با روش افزودن مطلب به وبلاگ آشنا می‌شوید و برخی از وبلاگ‌های موفق در زمینه‌ی آموزش و پرورش به شما معرفی خواهند شد.

زیرنویس

1. Domain

سؤال برای مواقعی است که اگر شما احیاناً رمز ورودتان به سایت را فراموش کردید، بتوانید با استفاده از سؤال امنیتی و پاسخ دادن به آن، وارد سایت شوید؛ سؤالاتی مانند نام پدر، غذای مورد علاقه، شغل مورد علاقه و... برخی از این سؤالات هستند.

۶. بخش پاسخ در واقع پاسخ به سؤال امنیتی است که شما متناسب با سؤال انتخاب شده، جواب مورد نظر را وارد می‌کنید.

۷. در بخش کد امنیتی، باید نوشته‌ای را که در کادر مستطیلی هاشور خورده می‌بینید، مجدداً وارد کنید. این کد در واقع راهکاری امنیتی برای جلوگیری از حمله‌های هکرها به سایت‌های اینترنتی است که در این مجال فرصت پرداختن به آن وجود ندارد.

۸. و در مرحله‌ی آخر، باید توافق‌نامه را تأیید کنید. توافق‌نامه در حقیقت قوانین و مقررات و حقوق طرفینی است که شما مانند یک قرار داد، آن را مطالعه می‌کنید و در صورت قبول شرایط سایت سرویس دهنده، آن را می‌پذیرید. بدیهی است تا موقعی که این توافق‌نامه را نپذیرفته‌اید، امکان راه یافتن به سایر مراحل را ندارید!

معرفی مشخصات کلی وبلاگ

بعد از پشت سر گذاشتن مرحله‌ی معرفی مالک وبلاگ، نوبت به معرفی مشخصات وبلاگ می‌رسد. این بخش بسیار ساده و کوتاه است (تصویر ۴).

عنوان اولی که باید انتخاب و معرفی کنید، تیترو وبلاگ است. تیترو وبلاگ نامی است که به عنوان نام وبلاگ خود انتخاب می‌کنید. شما در انتخاب این نام کاملاً آزادید. اما بخش دوم، نشانی وبلاگ است. آدرسی شبیه به نشانی سایت‌های اینترنتی است که دیگران با داشتن آن می‌توانند مستقیماً به وبلاگ شما مراجعه و از مطالب آن استفاده کنند. اما در مورد نشانی وبلاگ، دو نکته وجود دارد: نکته‌ی اول این که در نشانی سایت‌های اینترنتی، شما سه بخش را وارد می‌کنید: بخش اول شیوه یا پروتکل ارتباطی، بخش دوم نام سایت و بخش سوم پسوند سایت مثل نشانی www.roshtmag.it است که در آن www همان شیوه‌ی ارتباط، roshtmag نام سایت و it پسوند سایت است. اما در وبلاگ‌های رایگان، نشانی وبلاگ شما چهار بخشی است؛ مانند نشانی www.roshtmag.persianblog.ir که در آن نام شرکت سرویس دهنده به عنوان پسوند نام وبلاگ اضافه شده است. در واقع این که نام سرویس دهنده به عنوان

ترجمه‌ی طیبه الدوسی

آموزش و پرورش در

پاکستان

اشاره

پاکستان، با کشورهای افغانستان و جمهوری خلق چین از سمت شمال و با هندوستان از سمت شرق و جنوب شرقی و با ایران از سمت غرب، هم‌مرز است. پاکستان چهار استان به نام‌های پنجاب، سند، مرزی شمال غرب و بلوچستان دارد و پایتخت آن «اسلام‌آباد» است. ۹۷ درصد مردم این کشور مسلمان‌اند. زبان ملی آن‌ها «اردو» ست و پنجابی، سندھی، پشتو و بلوچی، زبان‌های محلی آن‌ها به‌شمار می‌آید. زبان انگلیسی در تعاملات تجاری، قانونی و رسمی آن‌ها به‌طور گسترده‌ای به کار می‌رود. هم‌چنین، به عنوان زبان آموزش در دانشگاه‌ها و مدارس عالی از آن استفاده می‌شود.

برای ارتقای سواد، تلاش‌هایی در جهت همگانی کردن آموزش پایه از طریق تهیه‌ی تسهیلات آموزش اولیه برای کودکان و برپایی برنامه‌ی آموزش بزرگ‌سالان از طریق مؤسسات آموزشی رسمی و غیررسمی صورت گرفته است. کلیدواژه‌ها: زبان اردو، نظام آموزشی، مدارس

ساختار آموزش رسمی در پاکستان

در دوره‌ی پنج‌ساله‌ی آموزش ابتدایی، کودکان ۵ تا ۹ ساله آموزش می‌بینند. بعد از دوره‌ی ابتدایی، دانش‌آموزان دوره‌ی سه‌ساله‌ی راهنمایی تحصیلی و دوره‌ی دو ساله‌ی دبیرستان را می‌گذرانند. سپس یک دوره‌ی دو ساله‌ی مدارس عالی وجود دارد که به عنوان آموزش دانشگاهی محسوب می‌شود. به موازات این نظام آموزشی جدید، نظام آموزشی مذهبی سنتی نیز فعال است که آموزش‌های دین اسلام را براساس قرآن، حدیث، حقوق اسلامی، منطق و غیره ارائه می‌دهد. در سطح ابتدایی، «مکتب» به آموزش و حفظ قرآن و انتقال آموزه‌های دینی و بعد از آن «دارالعلوم» به آموزش پیشرفته در مورد ابعاد متفاوت آموزش اسلامی می‌پردازد. این دو با هم ساختار سازمانی آموزش مذهبی را تشکیل می‌دهند. به‌منظور فراهم آوردن تلفیقی اثربخش از نظام آموزش مذهبی با نظام آموزش رسمی، تلاش‌هایی برای معرفی موضوعات جدید در نظام دارالعلوم صورت گرفته است. فارغ‌التحصیلان این مؤسسات فاضل نامیده می‌شوند

در پاکستان،
تدریس شغل
چندان مطلوبی
نیست. اکثر
فارغ التحصیلانی که
به حرفه‌ی تدریس
می‌پیوندند،
سابقه‌ی دانشگاهی
ضعیفی دارند.
بنابراین، مؤسسات
آموزشی قبل
از خدمت و
ضمن خدمت،
باید کاملاً مجهز
و دارای کادر
آموزشی مناسبی
باشند تا در ارتقای
علمی معلمان نقش
مؤثری داشته باشند

که صلاحیت لازم را برای تدریس به‌عنوان معلم دینی در مدارس متوسطه دارند.

تأمین نیروی انسانی برای نظام آموزشی

در پاکستان، تدریس شغل چندان مطلوبی نیست. اکثر فارغ‌التحصیلانی که به حرفه‌ی تدریس می‌پیوندند، سابقه‌ی دانشگاهی ضعیفی دارند. بنابراین، مؤسسات آموزشی قبل از خدمت و ضمن خدمت، باید کاملاً مجهز و دارای کادر آموزشی مناسبی باشند تا در ارتقای علمی معلمان نقش مؤثری داشته باشند.

در پایان برنامه‌ی آموزش معلمان ابتدایی دو نوع گواهی صادر می‌شود: گواهی آموزش ابتدایی و گواهی آموزش. اجرای هر دوی این برنامه‌ها یک سال تحصیلی به طول می‌انجامد. برنامه‌ی آموزش ابتدایی مخصوص معلمان پایه‌ی اول تا پنجم دوره‌ی ابتدایی است. برای پذیرش در دوره‌ی آموزش ابتدایی، داشتن دیپلم (دوره‌ی ۱۰ ساله) ضروری است. دوره‌ی بعد، یعنی دوره‌ی آموزش، معلمان را آماده می‌کند تا بتوانند تمام دروس به انضمام زبان انگلیسی را تا پایه‌ی هشتم تدریس کنند. برای پذیرش در این دوره، داوطلبان باید دوره‌ی ۱۲ ساله‌ی مدرسه (فوق دیپلم) را طی کرده باشند. برنامه‌ی درسی دوره‌ی تربیت معلم توسط وزارت آموزش و پرورش تهیه می‌شود.

دو نوع برنامه برای تربیت معلمان دبیرستان وجود دارد: یک دوره‌ی یک‌ساله بعد از لیسانس یا یک دوره‌ی سه ساله بعد از فوق دیپلم. پذیرش در دوره‌ی یک‌ساله، نیازمند داشتن لیسانس یا فوق لیسانس از هر دانشگاه معتبر است. ارتقای حرفه‌ای معلمان حائز شرایط به‌عهده‌ی «دفتر برنامه‌ی درسی و مراکز توسعه» است. چهار نوع برنامه‌ی آموزش ضمن خدمت وجود دارد:

۱. آموزش به کارکنان آموزش ندیده به‌طور تمام‌وقت (همراه با حقوق) در یک دانش‌سرای مقدماتی.

۲. برنامه‌ی فشرده‌ی سه‌ماهه.

۳. دوره‌های بازآموزی کوتاه‌مدت که توسط دفاتر برنامه‌ی

درسی و مراکز توسعه ارائه می‌شوند.

۴. سرمایه‌گذاری خصوصی محدود مانند مرکز تأمین معلم در کراچی که توسط «بنیاد آقاخان» حمایت می‌شود و در مورد اصول برنامه‌ریزی‌شده برای معلمان بخش‌های خصوصی و عمومی، دروس کارگاهی ارائه می‌دهد.

همچنین، مؤسسه‌ای برای ارتقای آموزش علوم در اسلام‌آباد تأسیس شده است که معلمان علوم را آموزش می‌دهد و می‌کوشد برنامه‌ی درسی پژوهش‌محور و بسته‌های

آموزشی برای بهبود آموزش علوم را توسعه دهد. در اسلام‌آباد یک دانشگاه ملی تربیت معلم فنی وجود دارد که معلمان را در دانشکده‌های فنی و فناوری آموزش می‌دهد.

نظام آموزشی طبقاتی:

تحصیلات و دو دستگی در پاکستان

آموزش در پاکستان براساس طبقه‌ی اجتماعی-اقتصادی به دو نوع تقسیم شده است. زبان آموزش شاخص هزینه‌ی تحصیلی محسوب می‌شود. مدارس به زبان محلی متناسب با طبقات کارگری و پایین‌تر از متوسط هستند و مدارس انگلیسی زبان برای طبقات متوسط و بالاتر در نظر گرفته شده‌اند.

مدارس اردو زبان

در مدارس اردو زبان، دانش‌آموزان و معلمان از طبقه‌ی پایین‌تر از متوسط هستند. اغلب دانش‌آموزان از راه دور به مدرسه می‌آیند که این کار برای آن‌ها هم مشکل و هم ناامن است. اغلب مدارس با در و پنجره‌های آبی رنگ و شیشه‌های شکسته، مکان‌های خیلی ملال‌آوری هستند. این مدارس خیلی خشک و بدون انعطاف، با معلمان دوره‌نبدیده‌ی خود، دانش‌آموزان را به حفظ کردن عبارت‌های بدخط یا مطالبی که بد چاپ شده‌اند و یا کتاب‌های نامفهوم، وامی‌دارند.

بعد از طی دوره‌ی ده‌ساله‌ی تحصیل، دانش‌آموزان در امتحاناتی شرکت می‌کنند که توسط شوراهای آموزش راهنمایی و متوسطه برگزار می‌شود. اغلب برگه‌های امتحانی به زبان اردو هستند و از طریق زبان انگلیسی هم دانش‌آموزان غریب می‌شوند.

دارالعلوم

در این مدارس، شاگردان از روحانیون درس می‌گیرند و روی حصیر به صورت نیم‌دایره در اطراف معلم خود می‌نشینند. زبان آموزش، زبان اردوی پنجاب است. در این مدارس، امتحانات به زبان اردو و عربی برگزار می‌شوند.

دولت پاکستان اخیراً دستور شورایی شدن آموزش دارالعلوم را رسماً صادر کرد. دولت قصد دارد مؤسساتی را تأسیس کند که تحت‌نظر شورای مدیران، برنامه‌ی درسی آن‌ها تحت‌نظارت دولت درآید. اغلب پاکستانی‌های تحصیل کرده و آزادی‌خواه، از تلقیق «اسلام و آموزش جدید» حمایت می‌کنند.

در پاکستان دارالعلوم از طریق خیرات اداره می‌شود. از زمانی که این مدارس توانسته‌اند، به‌طور رایگان برای دانش‌آموزان غذا، لباس، کتاب، دفتر و حتی شغل فراهم



منابع

1. Globalization, Modernization and Education in Muslim Countries/ Rukhsana Zia (editor), New York: Nova Science Publishers, Inc., 2006.
2. The International Encyclopedia of Education (2nd Edition)/ Editors in chief Torsten Husen, T. Neville Postlethwaite, Vol: 7, Oxford: Pergamon, 1994.

آورند، مردم فقیر بسیاری را جذب کرده‌اند. فقر موجب می‌شود که آن‌ها فکر کنند چرا باید در یک جامعه‌ی به اصطلاح مذهبی، مورد ظلم قرار گیرند. بنابراین حس می‌کنند خود باید عدالت را برقرار سازند و می‌کوشند با تعصب فراوان و با نام اسلام، علیه نظام ناحق و ظالم بجنگند.

مدارس انگلیسی‌زبان

این مدارس به سه دسته تقسیم شده‌اند: عادی، نخبه‌گرا، و عمومی و دانشکده‌های افسری. مدارس عادی، امکاناتی برای افراد معمولی- طبقه‌ی متوسط و پایین‌تر از متوسط- فراهم می‌آورند. گاهی آموزش در این مدارس که باید به زبان انگلیسی باشد، به دلیل عدم توانمندی معلمان و شاگردان به زبان اردو انجام می‌شود. در مدارس دسته‌ی دوم، معلمان و دانش‌آموزان در محیط‌های غیررسمی مثل سفر خارجی و غیره، بیشتر از همتهای خود در مدارس دیگر در معرض برخورد با زبان انگلیسی قرار می‌گیرند. در مدارس دسته‌ی سوم که مدارس عمومی و دانشکده‌ی افسری نامیده می‌شوند، بیش‌تر برای سرآمدن قدرت امکانات تهیه می‌شود. در بعضی موارد، شهریه‌ی بخش‌هایی از نیروهای مسلح کم‌تر از غیرنظامی‌هاست.

خطمشی رسمی دولت این است که پول مردم برای مدارس خرج شود که زبان اردو (یا سندی)، زبان آموزش آن‌هاست. ولی مشاهده می‌شود که برخلاف خطمشی تعیین‌شده، بودجه‌ی دولتی بیش‌تر برای شاگردان ممتاز مدارس ممتاز (انگلیسی‌زبان) صرف می‌شود. این موضوع به نابرابری‌های اجتماعی- اقتصادی که همیشه در جامعه‌ی پاکستان وجود داشته است، تداوم می‌بخشد.

مدارس خصوصی نیز وجود دارند که به عرضه‌ی آموزش انگلیسی به قیمت گزاف مبادرت می‌ورزند. این مدارس در محیط‌های دانشگاهی در سراسر کشور گسترش یافته‌اند و دانش‌آموزان را برای امتحانات پیشرفته آماده می‌کنند.

روش‌های تدریس در این مؤسسات جدیدتر، نوآورتر و جالب‌تر از مدارس اردو زبان و دارالعلوم است. کتاب‌های آن‌ها در خارج چاپ می‌شوند، مصورند و دانش عمومی‌تری را در قالب کتاب درسی ارائه می‌دهند. برای آموزش انگلیسی، ادبیات انگلیسی به شکل خلاصه شده به کار می‌رود. همچنین، تاریخ جهان به جای مطالعات پاکستان آموزش داده می‌شود. هرچند امتحانات آموزش سطح عادی، مطالعه‌ی تحقیقات در

مورد پاکستان، تحقیقات اسلامی و زبان اردو را حتی برای این دانش‌آموزان اجباری می‌سازد، اما آن‌ها نسبت به زبان اردو نفرت نشان می‌دهند و افتخارشان این است که در مورد آن چیزی نمی‌دانند. این موضوع درجه‌ی بیگانگی آن‌ها را با فرهنگشان نشان می‌دهد.

تحلیل و نتیجه

دارالعلوم که برای فقیرترین و حاشیه‌ای‌ترین مردم در نظر گرفته شده است، افراد متعصب تربیت می‌کند. مدارس اردو زبان نیز که برای مردم فقیر تدارک دیده شده‌اند، دوتوع‌اند: سکولار، و مذهبی ملی‌گرا. این مدارس هم افرادی متعصب، ولی با شدتی کمتر از همتهای خود در مدارس دارالعلوم تربیت می‌کنند. دانش‌آموزان انگلیسی‌زبانی که تعدادی در دانشکده‌های افسری و بیشتر در مدارس نخبه‌گرای انگلیسی زبان آموزش می‌بینند، حداقل در زمانی که دوره‌ی مدرسه را طی می‌کنند، با دغدغه‌های پاکستانی‌های دیگر و عادی بیگانه هستند. درواقع، آن‌ها فرهنگ بومی، هویت بومی، ارزش‌های سنتی و حتی زبان‌ها و ادبیات کشور خود را حقیر می‌شمارند. به نظر می‌رسد آن‌ها پاکستان را کنار گذاشته‌اند و مایل‌اند زندگی‌شان را در خارج از کشور بسازند. هرچند این دانش‌آموزان در قبال مذهب و تفاوت‌های جنسیتی حساسیتی نشان نمی‌دهند، ولی در مورد طبقه‌ی اجتماعی تعصب دارند. به علاوه وقتی که بزرگ می‌شوند، اگر به تصمیم‌گیرندگان قدرتمند دولت تبدیل شوند، خطمشی‌های خشکی را برای تأمین منافع مؤسساتی، طبقاتی یا سیاسی برقرار می‌کنند.

باید اذعان داشت، این قطبی شدن که توسط دولت تحمیل و تقویت می‌شود، انواع متفاوت نظام مدرسه‌ای را با تسهیلات کاملاً متفاوت ایجاد می‌کند. یکی از شاخص‌های تفاوت بین مدارس، هزینه‌ی هر دانش‌آموز در هر سال تحصیلی است. به‌طور خلاصه، دولت خود به آموزش نخبه‌گرا بیش از آموزش دیگر گروه‌ها یارانه تخصیص می‌دهد. به علاوه، تفاوت بین درآمد عموم مردم خیلی زیاد است که این باعث می‌شود، امکان تحصیل برای همه فراهم نباشد. بنابراین تحصیل به‌طور مستمر نشان می‌دهد، قطبی شدن در طبقه‌ی اقتصادی اجتماعی، به معنی قطبی شدن در جهان‌بینی است. و این می‌تواند زنگ خطری برای جامعه‌ی پاکستان باشد. دولت بایدرویی فقر سرمایه‌گذاری کند. بهترین سرمایه‌گذاری روی آموزش است. ولی آموزشی که بردباری و ارزش‌های انسانی را ارتقا بخشد. راه رسیدن به این هدف، ایجاد نظام آموزشی دقیق و عادلانه است و این فقط در صورتی اتفاق می‌افتد که پاکستان یک نوع آموزش داشته باشد، نه چند نوع قطب آموزشی.

در مجله‌ی رشد نوجوان چه خبر؟



در مجله‌ی رشد نوجوان ۲، آبان‌ماه ۱۳۸۸، خوانندگی‌های مفید دیگری برای شاگردانمان تدارک دیده شده است. از جمله:

✓ **ایران ما**، یک مقاله‌ی تصویری درباره‌ی شهر مسجد سلیمان و دیدنی‌های آن.

✓ **حکایت آن ابر قدرت**، مطلب طنز درباره‌ی توطئه‌های آمریکا علیه ایران، به‌ویژه ماجرای گروگان‌گیری و حادثه‌ی صحرای طیس.

✓ **نامه‌ای از آینده**، اشاره‌ای خلاق به موضوع بحران آب در سال‌های آتی و اهمیت صرفه‌جویی در مصرف این مایه‌ی حیات.

✓ **کارگاه داستان**، یک داستان علمی تخیلی درباره‌ی موجودات فضایی و توضیحاتی درباره‌ی فوت و فن داستان‌نویسی که در این شماره به «ساختمان داستان» اختصاص یافته است.

✓ **دل‌کندن از دلبستگی‌ها**، مقاله‌ای خواندنی درباره‌ی اهمیت انفاق در راه خدا و نقش آن در رستگاری فردی و اجتماعی.

✓ **گام‌به‌گام تا سلامت اندام**، نکاتی درباره‌ی پیشگیری از ناهنجاری‌های اسکلتی شایع در میان نوجوانان.

✓ **در انتظار یک بهار باشکوه**، میزگردی درباره‌ی رابطه‌ی انسان و خدا.

✓ **تجربه‌ها**، مطلب طنز و مصوّر درباره‌ی تجربه‌اندوزی و مشورت با دیگران.

✓ **آینه‌های روبه‌رو**، مقایسه‌ی دو شعر خوب درباره‌ی خدا از زنده‌یاد قیصر امین‌پور و شهرام رجب‌زاده.

✓ **جدول**، سرگرمی، خاطره و...

یادمان باشد، اگر خواهان نشاط علمی در کلاس درس و پیامدهای مثبت آن هستیم، تشویق‌های ما به مطالعه، تأثیر اساسی دارد.

ضمن تشکر از همکاری‌هایی که به سؤالات مطرح شده در شماره‌ی قبلی مجله‌ی رشد آموزش رهنمایی تحصیلی پاسخ داده‌اند و با توجه به اهمیت موضوع تغییر آیین‌نامه‌ی ارزشیابی تحصیلی و تربیتی دوره‌ی رهنمایی تحصیلی، همکاری‌هایی که جامع‌ترین پاسخ‌ها را به سؤالات زیر بدهند، از سوی دفتر آموزش و پرورش رهنمایی تحصیلی تقدیر خواهند شد.

۱. در ارزشیابی باز، سؤالات باید از چه ویژگی‌های مهمی برخوردار باشند؟

۲. درباره‌ی ارزشیابی گروهی و اثرات آن، چه نظری دارید؟

• همکاری گرامی، پاسخ خود را به دفتر مجله ارسال کنید.

پرسش مسئولان، پاسخ شما



طیبه رحیمی

نور و عکاسی

در این شماره، دومین مبحث راجع به آموزش مقدماتی عکاسی را پی می‌گیریم. همان‌طور که وعده داده بودیم، این بار راجع به نور محیط در هنگام عکاسی، مطالبی را ذکر خواهیم کرد. به طور کلی، هنگام عکاسی، دقت به زاویه‌ی نور محیط، از اهمیت بسیاری برخوردار است. در این جا چند حالت نوردهی متفاوت را بررسی و به شما توصیه‌هایی می‌کنیم:



نکته‌ی اول: رو به نور

ابتدایی‌ترین، کارآمدترین و در عین حال ساده‌ترین حالت در مواجهه با نور، روبه نور بودن است. اگر منبع نوری شما فلاش، چراغ اتاق، پنجره و یا نور خورشید باشد، بهتر است موضوع عکس را طوری در برابر دوربین قرار دهید که رو به آن‌ها باشد.



هنگام عکاسی از چهره، فرد را در حالتی قرار دهید که کمترین سایه‌ی زائد روی صورتش بیفتد. اگر از فلاش استفاده می‌کنید، موضوع کاملاً رو به نور است. کافی است به دوربین نگاه کند. می‌توانید موضوع را رو به پنجره قرار دهید و خودتان پشت به پنجره بایستید عکس بگیرید. در نور روز هم بهتر است به همین ترتیب عمل کنید. یعنی شما به عنوان عکاس، پشت به نور خورشید باشید و موضوع را به سمت نور بگردانید. برای نمونه، در عکس شماره‌ی ۱، دانش‌آموزان رو به نور و در عکس شماره‌ی ۲، پشت به نور ایستاده‌اند.

نکته‌ی دوم: نورپردازی چهره با نور پنجره

این روش نوعی نورپردازی ساده و قابل دست‌رس است که به قوام کادر و حالت چهره کمک خواهد کرد. در عکس‌های مقابل سعی شده است، تصویرهایی از دوزاویه‌ی متفاوت به عنوان نمونه‌ی این نوع نورپردازی در اختیار شما قرار گیرد (عکس‌های شماره‌ی ۳ و ۴).



نکته‌ی سوم: پشت به نور

بهتر است هیچ‌گاه موضوع شما پشت به نور نباشد. چه در نور روز و چه در فضای بسته. با وجود این، اگر به دلایلی مجبور شدید موضوع را پشت به نور قرار دهید، از فلاش استفاده کنید (عکس شماره‌ی ۵). در این عکس، منبع نور، پنجره‌ی پشت‌سر دانش‌آموزان و نور فلاش از روبه‌روی آن‌هاست.

در غیر این صورت، چهره تاریک می‌شود و عکس شما کارایی لازم را نخواهد داشت (عکس شماره‌ی ۶). منبع نور، فقط پنجره‌ی پشت سر است.



رشد آموزش
راهنمایی
تحصیلی



دفتر انتشارات کمک آموزشی

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- ♦ **رشد کودک** (برای دانش آموزان آمادگی و پایه‌ی اول دوره‌ی دبستان)
- ♦ **رشد نوجوان** (برای دانش آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)
- ♦ **رشد دانش آموز** (برای دانش آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)
- ♦ **رشد نوجوان** (برای دانش آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- ♦ **رشد جوان** (برای دانش آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش دانشگاهی)

مجله‌های عمومی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- ♦ **رشد آموزش ابتدایی** ♦ **رشد آموزش راهنمایی تحصیلی** ♦
- رشد تکنولوژی آموزشی** ♦ **رشد مدرسه فردا** ♦ **رشد مدیریت**
- مدرسه** ♦ **رشد معلم**

مجله‌های تخصصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- ♦ **رشد برهان راهنمایی** (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی) ♦ **رشد برهان متوسطه** (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره‌ی متوسطه) ♦ **رشد آموزش قرآن** ♦ **رشد آموزش معارف اسلامی** ♦ **رشد آموزش زبان و ادب فارسی** ♦ **رشد آموزش هنر** ♦ **رشد مشاور مدرسه** ♦ **رشد آموزش تربیت بدنی** ♦ **رشد آموزش علوم اجتماعی** ♦ **رشد آموزش تاریخ** ♦ **رشد آموزش جغرافیا** ♦ **رشد آموزش زبان** ♦ **رشد آموزش ریاضی** ♦ **رشد آموزش فیزیک** ♦ **رشد آموزش شیمی** ♦ **رشد آموزش زیست شناسی** ♦ **رشد آموزش زمین شناسی** ♦ **رشد آموزش فنی و حرفه‌ای** ♦ **رشد آموزش پیش دبستانی**

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

- ♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.
- ♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸

استاد آن لاین

ریحانه جعفری

تحولات پرشتاب جامعه‌ی بشری به سوی فناوری اطلاعات امری بدیه و حائز اهمیت است. انقلاب در فناوری نحوه‌ی تفکر و کارکرد ما را در فعالیت‌های روزمره تغییر داده و سبب ایجاد تحولات عظیمی در امر آموزش گردیده است. سایت **استاد آن لاین** (ostadonline.com) همگام با پیشرفت علم، گامی بلندتر در جهت آموزش الکترونیکی در کشور برداشته است و با راه‌اندازی پرتال آموزشی کارآموز دات کام، و در اختیار گرفتن مربیان مجرب و کارآموده و امکانات کمک آموزشی دیداری و شنیداری پیشرفته در این زمینه فعالیت دارد.

سایت استاد آن لاین یک سایت آموزش از راه دور است. کلیه‌ی مباحث این سایت در زمینه‌ی آموزش فناوری اطلاعات، و شامل هفت مهارت استاندارد ICDL و همچنین دوره‌های دیگری است که شما می‌توانید مطالعه نمایید. نحوه‌ی استفاده از سایت به این صورت است که فرد دوره‌ی مورد نظر خود را انتخاب و مباحث هر دوره را که فصل‌بندی شده‌اند مطالعه می‌کند.

نحوه‌ی تدریس به صورت متن، عکس و Multimedia (چند رسانه‌ای) است. به این طریق که کاربر متن را مطالعه و بر روی لینک نمایش روش کار می‌تواند کلیک کند. آنچه در متن گفته شده است در لینک نمایش روش کار، به صورت متحرک با صدا نمایش داده می‌شود.

در این سایت، تعدد رشته‌های آموزشی به روز، دستیابی رایگان به آموزش، آزمون و اساتید، کسب یک مدرک معتبر جهت ورود به بازار کار، حضور در کلاس درس مجازی با امکانات واقعی، بخشی از امکانات جدید پرتال کارآموز می‌باشد. سایت آموزش مجازی استاد آن لاین به نشانی: <http://www.ostadonline.com> در اختیار شماست.



سؤال از شما

دوستان! مجله‌ی رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، یکی از رسالت‌های خود را تسهیل ارتباط شما همکاران محترم با مسئولان ستادی آموزش و پرورش می‌داند. شما می‌توانید، سؤالات خود را درباره‌ی مسائل و مشکلات آموزش و پرورش، برای دفتر مجله ارسال کنید تا در اختیار مسئولان مربوط قرار گیرد. امید است مجله‌ی رشد آموزش راهنمایی تحصیلی بتواند با همکاری مسئولان محترم، این امر مهم را محقق سازد. پس سؤال از شما، رساندن آن به مسئولان از ما (مجله)، منتظر سؤالات شما از مسئولان هستیم.

پاسخ از مسئولان



برگ اشتراک مجله‌های رشد

شرایط:

- ۱- پرداخت مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال به ازای هر عنوان مجله‌ی درخواستی، به صورت علی‌الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه‌ی سه راه آزمایش (سرخه حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
- ۲- ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک باپست سفارشی. (کپی فیش را نزد خود نگه دارید).

نام مجله‌های درخواستی :

.....
.....

نام و نام خانوادگی:

.....

تاریخ تولد:

.....

میزان تحصیلات:

.....

تلفن:

.....

نشانی کامل پستی:

.....

استان: شهرستان:

خیابان:

پلاک: کدپستی:

در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده اید، شماره‌ی اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

• صندوق پستی مرکز بررسی آثار: ۱۵۸۷۵/۶۵۶۷

• صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

• نشانی اینترنتی: www.roshdmag.ir

• پست الکترونیک: Email:info@roshdmag.ir

• امور مشترکین: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶-۷۷۳۳۵۱۱۰

• پیام گیر مجله‌های رشد: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲

یادآوری:

- هزینه‌ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، بر عهده‌ی مشترک است.
- مبنای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک است.